

اروپائیان که از خوف و دهشت سلطان جدید مراکش - رنج شده بودند در مقام (صنی) مامورین مدعی سلطنت از آنها جلو گیری کردند و مبتنی سرها از آنها گرفتند

البته مدعی سلطنت پس از اینکه با کابلهنگوالی که طرفداران فرانسه بود جنگ نموده غالب آمده هیچدم شهر حال وارد شهر مراکش گردید افواه است که (مکاتک نکس) با دو هزار قشون منگولی حمله بر قواشور منچوریا نمود و قتل و غارت مشغول گردیده اند و چند هزار قشون چینی را با توپ و غیره از مکندن حمله بر متجاوزین منگول نمودند مناقشه مجلس چین با یوان شی کائی در قتل دو افسر هانکو خاتمه پذیرفت

مؤسس روزنامه نووی ریعیای پترسبرک این جهان قان را وداع گفت

برنس آرتر کنت نشان زانویند انگلیس را برای امپراطور جدید در توکیو خواهد برد بر حسب تلگرافیکه از پاریس بروزنامه طمس لندن رسیده کرنل میتکن که در ۷۵ میلی شهر مراکش میباشد تهیه چهار هزار نفر دیده که بر شهر مراکش حمله نماید و جنرال لیانی وزیر معین فرانس در جنوب با کرنل موصوف ملاقی خواهد آمد

شورای وزرای فرانس چنین رای داده اند که از شهر فیض دار السلطنه مرا کو برای برقراری جنوب و شهر مراکش قشون فرستاده نشود

از بیانات یوان شی کائی من باب قتل دو جنرال تشنی حاصل نیامده است ازین رو مجلس احضار رئیس الوزراء و وزارت جنگ را خواسته است ولی حکومت چین چندان پروانه نموده و ایتقان دارد که آن دو نفر بیکه قتل رسیده مجرم بوده اند دولت ژاپون چنین مصمم شده که مجوزة سابق خود را من باب کوریا تعمدیل نماید و دو دویژن بر قشون کوریا ببنزاید آغاز باعمال این تجویز از سال ۱۹۱۳ خواهد شد و در سال ۱۸ ۱۹ ختم خواهد شد و ۴۶ میلیون بن مصارف آن تخمین یافته است

جنرال بوتنه که جنرال قشون نجات عیسویه و از مشاهیر رجال تاریخی بود این جهان قان را وداع نمود

خرجه انگلستان سرادوردگری در بیانات خود صریحاً گفته که پس از صلح مباحثه زیاد بر قبضه ابطالی در جزایر بحر سئید خواهد شد در هر صورت نتیجه این انقلابات ~~که~~ پیشترش ناشی از اختلافات حزبی اسلامبول شده برای عثمانی سودمند ظاهر نمی شود و عقیده بعضی این است که جزایر بحر سئید را هم خود مختار و تحت یک از شاهزادگان اروپا مانند کریت خواهند گذارد باسم اینکه عثمانی از حفظ آن عاجز و ممکن است در آینده اسباب خطر امنیت گردد

لعنت حق بر لجاج باد که گفته

کار همه خلق از لجاج برینسان

تلگرافات مهمه

در جزیره کامران که فرنیته حجاج است بین هندیان و اهالی جاوا مرض وبا شیوع یافته است رئیس الوزرای روس ۱۵ ستمبر به پاریس آمده بیست و سوم وارد انگلستان خواهد شد و پنج روز در قصر بلورل توقف خواهد داشت

از قتل دو جنرالی هانکوی چین آزمایش قوت بین مجلس ملی و یوان شی کائی پیش آمده است چنان گفته می شود که این دو جنرال در صدد انقلابات جدیدی بوده اند باندازه راین دو جنرال شلیک نمودند که اجساد آنها قطع قطع گردید

در تلبری دک (توسخانه لندن) عملیات متعده بر مزدوران آزاد حمله نمودند بطریق حیرت انگیزی حریقی در یک انبار گونی روی داده چندین هزار بسته را سوزانیده است

در جنوبی چین بواسطه قتل دو جنرالایی هانکو آتش انقلاب بالا گرفته از یوان شی کائی کینیت خواسته اند و میگویند هرگاه تشنی آنها نشود الزام بحکومت وارد خواهند آورد

چهل نفر دزدان بحری سوار یک جہاز کوچک بخاری شده در جزیره دمب بل قرب هانک کاتک حمله نموده قیام گاه پلیس و تفنگ و سر نیزه های زیاد غارت کرده و سه نفر پلیس هندی را کشته یک از صرافان را برده اند یک فوج قوی برای گرفتاری آنها فرستاده شده است

البته در جنوبی مرا کو و شهر مراکش پیشتر را بسلطنت نام زد نموده

دولت فرانسه ساعی است که برای رهائی
قونسل خود و دیگران که اسیر نجه البریه مدعی
سلطنت مراکش شده دوستانه مخبره نماید و هرگاه
کامیاب نگردد قشونی برای رهائی آنها بفرستد

جنرال لباتی رئیس الوزرای عنوان تلگراف
سلطان جدید مراکش را بدین مضمون تلگراف
نموده « من کمال خبر خواهی را نسبت به فرانسه
دارم و حاضریم در برقراری امنیت همه گونه
نمایند فرانسه بدم »

حکومت نیور برتگیز خبر میدهد که کمالاً رفع
بساوت کرده سه هزار از باغبان مقتول و چهار
هزار اسیر گردیده اند

چنین گفته می شود که واقعات لاسه خانه
پذیرفته و در عرصه ده روز جیبیان از تبت خارج
خواهند شد

موسیو پونیکار رئیس الوزرای فرانسه در
ضمن ضیافت اداره بلدی (دنکرك) اظهار داشت
که زمانه باز شدید نمود اتحاد روس و فرانسه را
و تکمیل یافته و وسعت دائره آن ازین روست که
دولتین متسامدین را کمال مودت و رابطه دوستانه
با انگلستان است و این کمال هوشیاری سلطنت جمهوری
فرانسه است که حیثیت و مقام خویش را در نظر
عالمیان بدین وسیله جلو داد

(عمان)

بر حسب تلگراف ستجی بای تخت قره طاغ
واقعات سرحدی دولت مشارالیه خیدلی تشویش
آوراست ، قتل عام در (برین) جاری است و
مفرورین در سرحدات قره طاغ مجتمع آمده اند
و بطریق عموم جوش و خروش بر پا گردیده است
ایلات مالیسوری البانی مصمم حمله بر سکوتری شده
اند بابعالی الزام میدهد که حکومت قره طاغ اسلحه
به عیسویان برین توزیع نموده است و در اسلامبول
خاطر نشین گردیده که دولت قره طاغ عمداً بیچیدکی
پیدا مینماید

تلگراف اسلامبول انکار می نماید که البانیها شهر
اسکوب را غارت کرده اند فقط البانیها تصفیه نموده
که از اهالی شهر مصارف خود شای را حاصل
کنند گفته میشود که صد نفر البانی وارد سلاویک
شده حکومت آنها را متنبه ساخته که اگر بازگشت

به اماکن خود نکنند گرفتار شای خواهند
ساخت مجوزه استریا را جراند بطریق اهمیت
موضوع بحث قرارداد اند نیوفری براس مینویسد
که المان و استریا و ایتالی این مجوزه را قبول
نموده اند دولتین فرانس و انگلیس تا کنون جواب
نداده ولی امید بقبول آنها میرود حصه از اخبارات
فرانسه می نویسند که غرض استریا ازین تجویز آنست
که تلافی نماید از آنکه در ملاقات امپرا تورین
و موسیو پونیکارزوی را هیچ گونه برسی نشده
است اخبارات انگلیسی در این موضوع بحث شان
صمیمانه ولی خیلی محتاطانه است و شکایت میکنند
که این مجوزه بجا و فضول است

بر حسب تلگرافیکه از دوردیلبر رسیدده در
شب هفتم شهر حال چهارمات جنگی ایدالی در
قرب (سنداس) که دهه دوردیلبر است دیده
شده است

دولت انگلیس هم شرکت در مجوزه استریا
را منظور نموده

سه دوبرن از قشون عثمانی در (کربلی)
مجمع گردیده مصمم اند که اگر البانیها ترك بقاوت
نکنند بر آنها حمله نمایند

بین نمایندگان حکومت عثمانی و البانی يك گونه
تصفیه شده البانیها بر اکر خودشان عودت می نمایند
با اینکه تصفیه مناسلات شمالی البانی شده ولی
اخباراتیکه از سرحدات قره طاغ میرسد تشفی بخش
نیست گفته می شود که قشون قره طاغ چندین
سنگرهای سرحد عثمانی را آتش زده بسیاری
را محاصره کرده است ، اخبار نیم رسمی آلمان
حکومت قره طاغ را متنبه نموده که دول اروپا
هرگز چیز نخواهند قرار داد شرارتهای حکومت
مشارالیه را ، بابعالی ودول سایر حکومت قره طاغ
امر نموده اند که قشون خود را از شهر برین که
جنگ جاری است فوراً بیرون کشند

امپراطور استریا به اعانه زلزله زدگان اسلامبول
چهار صد لیره اعطا فرمود

درمانش هوس لندن نیز دفر اعانه برای زلزله
زدگان اسلامبول باز گردیده است

چنان تصور میشود که در پاریس بین نمایندگان
عثمانی و ایتالی گفتگویی صالح میشود و وزیر

مختاران عثمانی منیم صوفیسا و ستیجی و یک سفر کبیر سابق ایتالی با دو عضو دیگر در این مباحثه شامل اند

در ملاقاتی وزیر خارجه عثمانی بطریق نهمرسی تسلیم کرده که گفتگوی صالح با ایتالی میشود

دولت فرانسه ده هزار فرانک به اعانه زلزله زدگان عثمانی اعطا نمود

مخبر روتر معلوم نموده است که دولت بلغار مشوشانه تشریحات از مجوزه آسزیا را من باب مالکان انتظار می نماید. بلغاریان را عقیده این است که فقط در تقسیم اختیارات البانیها را فایده خواهد شد و بلغار البانی را فقط یک حکومت محلی منظور تواند نمود

دولت فرانس نیز شرکت مجوزات آسزیا را منظور نمود

پس از اینکه تحقیقات کیبونیکه برای کوجنا معین شده اشاعه یابد بلغار را تشفی حاصل خواهد آمد

باب عالی رسماً اعلانی به نمایندگان خارجه خود فرستاده اظهار داشته است که از زیادتیهایی فرمطایح در برین دولت عثمانی بری الدمه است و یک اردوی مضبوط عثمانی در برین جمع آوری میشوند خبریکه باسلامبول رسیده ظاهر مبدارده که کابینه قره طایح استعفا نموده و ازین رو مناقشات دولتین رفع تواند گردید

بر حسب تلگرافیکه از اسلامبول بروزنامه دبی تلگراف رسیده وزیر خارجه عثمانی را امیدواری کامل است که نزدی رفع مناقشات با قره طایح بشود حسین حلیمی باشا وزیر عدلیه عثمانی استعفا نمود ازین رو تشکیل جدید کابینه عثمانی لازم می آید

فریدباشا رئیس مجلس سنای عثمانی بوزارت داخه انتخاب گردید و حلیم بی که از اعضای سنای بود بوزارت عدلیه نایل آمد

فرید باشا الکار نموده است از قبول وزارت داخه عثمانی

اعلیحضرت فریدند با وزیر خودشان روانه اروپا گردیدند سنیر اسزیا نیز موقتاً رخصت حاصل نموده ازین رو استنباط میشود که معاملات بانک است از اهمیت افتاده است - چهار صد نفر مالیسوری تحت افسری راهبان حمله نمودند بروادلس البانی از مالیسوها ۳۰ قتل و ۸۰ مجروح آمده عقب نشستند از توکان نقصانات کم شده است جوید باشا بدون هیچ گونه مزاحمت وارد شهر برین البانی گردید و تمام قره طایحها منتشر گردیده اند

کونت وان برج تولد وزیر آسزیا وارد بکار است بای تخت رومایا گردید و روزی چند رسا مهمان پادشا خواهد ماند

تلگرافات راجعه بایران

بر حسب تلگراف طهران لطمه که در درنجان به زندارمها وارد شده سبب پست همی آمانت نگردیده و چنین تجویز یافته که ۹۱۵ زندارم تحت امر سویدی ها در موسم آینده به فارس حرکت خواهند کرد و چنان تصور میشود که همراهی با مخبر السلطنه فرمانفرمای جدید فارس سهولت در کارها فراهم آورد

از ایل بهارلو حمله بر بندرعباس شده رعایای انگلیس را غارت و فرار کرده (این گونه تلگرافات روتر خیلی خنده آور است و بموجب خبریکه با مخصوصاً رسیده ابدأ اصلیت ندارد واقعه محلی و خیلی معمولی بوده)

دولت ایران بچواب خواست روس من باب راه آهن جانا و تبریز تا برسد باروویسه قسمی جواب داده که یقین است دولت روس را تشفی حاصل آمده از کامیابی روس در این مسئله ظاهر میشود که تمام مزاحمت مسائیکه منبای امتیاز راه آهن خلیج تا خرم آباد بر حسب فرمان ناصرالدین شاه برای انگلیس درپیش بود مرتفع گردید و دولت انگلیس را حق حاصل آمده است

جنرال قونسل روس مقیم مشهد به بهانه بیماری از طموریت خراسان استعفا نموده است

حبل المتین کلکته

مدیرکل کلک استریت نمبر ۴

HAILULMATHN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

کلیه امور اداره با مقبر

کل مؤیدالاسلام است

هردوشنبه طبع

به شنبه توزیع میشود

یوم دولته

۲۶ رمضان ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۹ سپتمبر ۱۹۱۲ میلادی

و کلاه حق اخذ ابواب بدون قبض ندارند و تا وقت که
مشرفین را قبض مخصوص سال پنجم دست نیابد
ذمه شان بری شناخته میشود

نامه مقدس

(قیمت اشتراک)

سالانه — شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپیه — ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عمان و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

روس و زکستان

(معروف اداره درج نمیشود)

۱۰ منات — ۶ منات

حبل المتین

سپاه زکان طپیده آید بیرون
درحب وطن میاش کنر ز سگ
بلبل زچین کبیده آید بیرون
کز آب گاو بریده آید بیرون
آقا میرزا علی قده الاسلام مجتهد تبریزی



(لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون)

شهید راه حریت اسلام — خادم حقیقی وطن اسلامیہ ، اختیار کننده دین به دنیا ، علامه شهر ،
فیلسوف محرم ، ادیب کامل عیار و فضل ممتاز ، رئیس الملة والدين ، حافظ الاسلام والمسلمین
که بعد از ظهر عاشورای ۱۳۳۰ در شهر تبریز بیاداش اسلام برستی و وطن خواهی
مدار رو سیات بالا رفت و بدوجه رفیقه شهادت رسید

خلاصه سوانح نقه الاسلام شهید مجتهد تبریزی
آقا میرزا علی نقه الاسلام بن آقا میرزا موسی
نقه الاسلام بن آقا میرزا شفیع مجتهد تبریزی
از فضلا و مشاهیر علمای عصر خود و از خاتواده
جلیل آذربایجان بشمار و از متسببین حاجی میرزا
رفیع کلانز معروف بود - تولد آن مرحوم شهر رجب
۱۲۷۸ هجری و شهادتش در محرم ۱۳۳۰ واقع
گردید

نقه الاسلام از فیلسوفان عصر خود و حریت
پروران و ادبای نامی بوده و در زبان فارسی و عربی و
ترکی و فرانسوی دستگامی بسزا داشت. مقالات
فیلسوفانه آن مرحوم در جراید جبل التین، الهلال مصری،
و غیره بسیار است، دارای برخی مولنات و مصنفات هم
هستند. رئیس فرقه شیخیه آذربایجان و از پیروان
مرحوم شیخ احمد لحسانی بود و مرده ایشان
علاوه در تبریز و آذربایجان در کلبه قنقاز،
ایروان، نخجوان، قره باغ و گنجه، بسیار است
مناقشه ای که در زمان سابق بین فرقه شیخیه و اصولیه
در آذربایجان پیش می آمد بواسطه این وجود
مقدس کلبه رفع گردیده تبانیات اصولی و شیخی را
مرتفع داشته اتحاد صمیمی بین آنها تولید نموده سالها
است که مانند شیر و شکر در هم آمیخته اند

نظر بر اینکه مرحوم نقه الاسلام واقف بمواقف عصر
و در علوم جدید و فدیعه دستگامی بسزا داشت برخلاف
غالب علمای آذربایجان از آغاز انقلاب مشروطه ایران
برق حریت خواهی را بکشف گرفت، مرحوم
مظنرال دین شاه را ارادتی مخصوص بآن مرحوم بود.
محمد علی شاه مخلوع هم بنا بظاهر ارادت بایشان
می ورزید شاهزاده عین الدوله کمال خلوص را بآن مرحوم
اظهار میداشت. این بود که در تبریز حین مقابله
ملتیان با دولتیات مرحوم نقه الاسلام از طرفین
مصلح شناخته میشد و کلیه مخابرات صلحیه که بین
عین الدوله و طهران و رؤسای ملت تبریز می شد
واسطه ایشان بود، و مکرر بوقالت ملت در آسمند
نزد شاهزاده عین الدوله رفته بگفتگویی صلح
می برداخت

مرحوم نقه الاسلام با اینکه حریت پرور بود
ولی مسلک اعتدال را می پسندید و همواره ملت را
از تند روی و آنها پسندی بر حسب مقتضیات وقت

صبحت میفرمود. تخمیناً دو سال قبل روسیانت
به بهانه اینکه یکی از افراد قشونی آنها در خانه
ایشان بست نشسته یک افسر حاجی سادات بتلاش
خانه ایشان پرداخت و هیچگونه آری از گم شده
خود نیاخته و در همان حینکه بتلاش گم شده خود
بودند سر باز مذکور در بازار تبریز مشغول بگردش
بود. این بود که از فشار طهران بفرار روس
جنرال قونسل تبریز از این مرحوم رسماً
مذرت خواست. ولی این عقده را در قلب خود
نگاه داشت تا اینکه موقع یافته تلافی کرد - در
انقلاب اخیر تبریز مرحوم نقه الاسلام منتهای سعی
و کوشش را در اصلاح ذات البین میفرمود اعلانی
که از طرف ایشان کتباً و شناسماً فدائیان رسیده
و نیز مراسلاتی که بقونسل انگلیس و روس در
این خصوص نگاشته دال است بر اینکه آن مرحوم
را مسلکی جز صلح خواهی و سلم جوئی نبوده. و
اینکه با منتهای استقلال و استقامت در خانه خود
شان نشسته و بدون هیچ خوف و بیم بتلاش
صلح بر خواسته دال است بر اینکه آن مرحوم
را از کردار و رفتار خود کمال امیدواران حاصل
بود و احدی هم تصور نمی کرد که بدون جهت
و سبب هیچ کس قصد سوئی نسبت به ایشان بنماید.
مراسلاتی که قونسل روس و قونسل انگلیس بایشان
چندپوم قبل از شهادت نگاشته بودند و تا کنون
محفوظ است بخوبی بر سلم جوئی و صلح خواهی
و عدم آیشرا ایشان در مسلک بوتیک مخالف روس هویدا است
و بقول برخی از فدائیان اگر کوشش بلیغ مرحوم
نقه الاسلام در سکوت و آرای ملت تبریز
نبود روسیانت به این سهولت به تبریز و کلیه
آذربایجان استیلا نمی جستند، همینکه روسیان از
استیلائی خودشان بر شهر تبریز اطمینان حاصل نموده
و در هر سر محل و گذرگاه توب نصب کرده و
قراول گذارده و عمارات رفیعه را بست ساخته.
اهالی از هر جا بجز برخی مشغول به عزاداری
حسین (ع) و بعضی گرفتار ندبه و گریه بر کشتگان
بی تقصیر خود و جوی مبتلای گرسنگی و پریشانی
و شرمه مرعوب پیش آیند اوضاع آتیه خویش
بودند -

عصر تا سوا قونسل روس چند نفر را با مراسله
مخصوص بحضور مرحوم نقه الاسلام فرستاد در مراسم

نکاشته که در قونسل خانه انگلیس مجلس مشوره و مصالحه یا قونسلات خارجه منقده و وجود حضرت عالی در آنجا اشد ضرورت را دارد. مرحوم نقه الاسلام بدون هیچگونه خوف و بیم بر خاسته بمعیت آنان رهسپار و همینکه بیرون آمدند مأمورین ایشان را بقونسلخانه روس برده وقتی قونسل روس را ملاکات فرموده اظهار داشتند که مراسله شما دعوت بقونسلخانه انگلیس بود و مرا در اینجا آوردند. قونسل روس با کمال خشونت برخی تا سزا بایشان گفت مرحوم نقه الاسلام با منتهای قوت قلب که کمال ایمان ایشان را نشان میداد فرمودند که از نمایندگی محترم یک دولت سخنان بی تندی سزاوار نیست. و من نمی خواهم زبان خود را مانند شما بشتم و سخنان نا روا بیایم. از آن بعد قونسل روس ورقه را بحضور نقه الاسلام پیش نمود که در آن نوشته بود که مدائیان در تبریز بدو بر قشون روس شلیک نموده و روسیان با منتهای تمدن رفتار کرده و احدی را بناسحق نه گفته اند. و در آخر آن ورقه نکاشته بود که ما اهالی تبریز راضی نیستیم که قشون روس از تبریز خارج شده اسباب اغتشاش شهر دوباره فراهم آید و ما منتهای رضایت را از حسن سلوک و قیام قشون روسیه در تبریز داریم

مرحوم نقه الاسلام با کمال ملامت فرمودند این نوشته برخلاف حقیقت است و قلم من تصدیق آن آورده نتواند گردید. از این سخن قونسل روس بر آشفته خودش با دو نفر اعضای حاضره آنچه توانستند بزجر و توبیخ و دشنام آمرحوم برداخته. تا جائیکه از صدمات آمرحوم بیهوش گردید. در آن هوای سرد آن شهید راه حریت اسلام را در اطاقی خالی از فرش برده و آنچه توانستند بصدماتش پرداختند.

ساعت درازده شب عاشوره میرزا علی اکبرخان منشی از طرف جنرال قونسل روس مجدد نزد ایشان رفته خواست تصدیق ورقه مذکور را نمود نقه الاسلام فرمودند هیات هیات قونسل بگو سکه من انتمای عولی خود نموده دست بناسحق دراز نخواهم کرد ولو اینکه بتدای خود این عبدالله الحسین ملحق کردم. هر آن وقت رو بمیرزا علی اکبر خان منشی

فرموده گفتند که چو نب مولود در اسلامی از تو خواهش آبی مینمایم برای وضو تا بعبادت ازیدی بردازم. میرزا علی اکبرخان با اینکه وعده فرستادن آب نمود مخلف ورزید. این بود که آمرحوم مانند مولای خود تبسم کرده بعبادت خداوندی مشغول گردید و تا بعد از ظهر عاشورا مکرر از مسرف قونسل بوعده و وعید ونوید و تهدید ایشان برداخته شاید آنورقه را تصدیق نمایند ولی آنچه اصرار کردند مرحوم نقه الاسلام انکار فرمود و عاقبت گفت من بظلم خود کفر را بر اسلام استیلاء نداده و حق به کفار نخواهم داد. چند نوبت با اندازه آمرحوم را در قونسلخانه روس زجر نمودند که از خود رفته بیهوش گردید عاقبت آن مرحوم را بیسای دار برده اطراف را نگرانی کرده فراول در سر کوچه و گذرما گذارده منع تردد خلق را از هر طرف نموده باز همان وقتی که میخواستند بدارش بالا برند تصدیق ورقه مذکوره را خواسته امتناع ورزید. همینکه آن مرحوم را بدار آویخته رو بجانب قبله حصرده بصدای نجیب فرمود: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله. یا رسول الله شاهد باش که در راه حفظ دین تو کوتاهی نکرده و قریب دنیا را نخورده و بظلم خویش استیلاء کفر را بر اسلام تصدیق نمودم. در همان حینیکه این کلمات را میفرمود روح مبارکش بتاخسار جنان پرواز نمود. و سبعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

حبل المتین

اگر به تعمق در واقعه شهادت حضرت نقه الاسلام نگریم مطالب غامضه بسیار بر ما ظاهر تواند گردید. آنچه موقفین اداره نکاشته در این چند سئاله اخیره مرحوم نقه الاسلام مسلکی جز اصلاح ذات البین نداشته و ابدأ بهایة مشروعی در شهادت این مرحوم بدست روسیان نبود. فقط قتل آن مرحوم را چند علت نمایان است که یکی از آنها عدم تصدیق او برورقه باطله جنرال قونسل بوده ولی پیشتر فرض روسیان این بود که بی حسی بولتیک و مذهبی اهالی تبریز را که از چند سال باین طرف عالی را بنیرت و شهامت و بیداری حق پلنتیکی و دیانت شعاری بر کرده بودند بناید دیگر اینکه روسیان چون از سکون اهالی تبریز غلبه

موجوده و تریبیج بر خلاف روس یکی از روسا شناخته آمده . فقط عالم بودن او رفع الزامات عملی را از وی نتواند نموده و علاوه بر این افسران را لازم آمد که بر افروختگی قشونی و اهم مراعات نمایند . چه سلوکی که به مجروحین روسیان در تبریز شده خیلی اسباب بر افروختگی آنها گردیده بود . چنانچه اگر زیاد نباشد البته يك نفر روسی را زنده زنده دفن نموده و بطریق خوفناك اجساد روسیانرا قطعه قطعه کرده اند ، وزیر خارجه این نیکوکاره را هم بی یاد آوری نمود که سال گذشته در مقدونیه يك از قیسبان بزرگ یونان را بقتل صدمه زدند تا منتهی بمرگ آن گردید و صدائی از اروپا بر نحو است -

جواب داده تصدیق میکنم اینگونه افعال که ذکر فرمودید البته مستلزم سزای بود ، ولی باز هم عقیده من این است که اگر تها الاسلام را سزای موت داده میشد باصول پلیمیک خیلی بهتر بود . چرا که روس مانند دولت انگلیس سلطنت برعهده زیادی از مسلمانان داود و از آن خوف دارم که از قتل تها الاسلام جذبات قلبیه مسلمانان رعایای مارا صدمه زیاد برسد چیزی که خیلی تعلق ما بر آن میباشد این است که نوعی نشود مجددا انقلابات در قلبیه ایران بالا گیرد و کار منجر به قبضه طهران شود سرادوردگری وزیر خارجه انگلستان هشتم جنوری ۱۹۱۲ وزیر مختار طهران سرجارج بلرکای می نویسد (کتاب سفید صفحه ۲۳)

وزیر مختار ایران مقیم لندن دوم شهر حال بوزارت خارجه آمده خوف خود را من باب امریکه از قتل سرسری تها الاسلام در کلیه ایران پیش خواهد آمد اظهار داشت ، علاوه برین گفت بد بختانه این قتل را که روز عاشورا مرتکب شده اند ازین رو بود که مزید اشتیاقات مذهبی عامه گردد -

مستر مالت برش نمود از میرزا مهدی خان که آیا تها الاسلام در مساملات بولتیکی حصه میگرفت ، جواب داد ، بل یکی از ملتبان مضبوط بود ،

میرزا مهدی خان استنار کرد که آیا میتوانم در این خصوص اقدامی نمایم؟ مستر مالت جواب داد که سر بوکان سنیر بطرسبرگ از دولت روس تمنا نمود ،

خوفرا مسلم یافته دانستند مزید بهانه از هیجان ملی و مذهبی با وجود تها الاسلام بدست شان نخواهد آمد که پیش ازین خنک مقصود برآند . همین جبهه مرحوم تها اسلام را بعد از ظهر عاشورا که مقدس ترین اوقات اسلامی بشمار است علی رؤس الاشهاد بدار زدند تا مزید تریبیج مسلمین گردد

از همه واحتر علت شهادت مرحوم تها الاسلام آنست که در کتاب سفید وایت بوك بیان شده که ما ترجمه آن را ذیلا مینگاریم

ترجمه از کتاب سفید و اجبه ایران

(نمبر ۵ - صفحه ۱۷)

سرجارج بارکای سفیر مقیم طهران به سرادورد گری وزیر خارجه دوم جنوری ۱۹۱۲ خبر میدهد که روسیان در سرباز خانه خودشان در تبریز هشت نفر را که منجمله شیخ سلیم و تها الاسلام باشد بدار زدند ، سنیر روس در این خصوص بیان مینماید که این قتلها بر حسب حکم عدالت عرفی پیش آمده ، و این محکمه عرفیه از مقام عالی (پترسبرگ) حکم داشته است

سرجارج بوکان سنیر دولت انگلیس مقیم پترسبرگ سوم جنوری به سرادورد گری وزیر خارجه انگلستان چنین نگاشته

امروز موقع ملاقات با وزیر خارجه یافته در ضمن صحبت قتل تها الاسلام را که سرجارج بارکای بمن اطلاع داده بود با وی مذاکره نموده گفتم قتل این مجتهد عالی مقام را خیلی بد بختانه بشد داشته و از خطایای بزرگ میشارم - من این وقعه را ایقان دارم که سبب بر افروختگی و هیجان کلیه ایران خواهد گردید . او این نتیجه این خواهد شد حکومت موجوده ایران که خیلی همراهی با مقاصد روس نموده مقاومت باین هیجان همومی نکرده استغنا خواهد نمود ، و این خیال محکم خواهد گردید که روسیان در این موقع مرتکب این عمل عمداً از این رو شده که مزید انقلابات پیش آمده بهانه برای قبضه طهران بدست آورند

وزیر خارجه روس میو سازاوف جواب داد که افسران قشونی را جز اقدام اشتیاقی نسبت به تها الاسلام چاره نبود ، چه مشاریکه در تکالیف

خودش هم نکاشته خیل دهشت ناک و نفرت افزا و الحق بیانی که در این باب داده خالی از هرگونه مبالغه است - در يك تصوير هشت نفر احرار تبریز که منجمه بجهت بزرگ تقي الاسلام بود موجود است - ديگر عکس است که او را بيا آویخته و سر او را جدا ساخته و مجدداً مانند گوسفند به تنش آویخته اند - سوم عکس است که بزمن افتاده و بر سینه اش خنجرى زده شده چهارم عکس است که دارای نصف جسم و معلق است ، و بيان ميشود که حسب الحکم او را شقه نموده اند - از این شواهد حسی که جای هیچ گونه شبهه و تردیدی برای احدی باقی نمی گذارد بخوبی مقاصد روس معلوم میگردد

قتل تقي الاسلام از قتل های تاریخی و میتوای گشت از ابتدای اسلام الی الحین برای اسلامیان چنین وقعه پیش نیامده بود ، یعنی هیچ عالم بزرگ و مجتهد سزکی از اسلامیان روز روشن بطریق علنی بدار کفار بالا نرفته بود - مسلمانان عالم راست که هیچگاه این وقعه تاریخی را فراموش ننموده و در هر جا و در هر محل یادگاری بنام نامی حضرت تقي الاسلام شهید که بعد از شهدای کربلا و بدر و چنین بزرگترین شهدای راه وطن و اسلامیت و مشروعیت اسلام است برپا دارند -

نجات ایران

در موضوع آینده ایران واقفان رموز را عقیده مختلف است برخی چنین میفندارند که صلاح آینده ایران سازش با روسیان است که از بعد معاهده ترکان جای روابط حسنه بین روس و ایران برقرار و موجود قدرت روسیان هیچ گونه تخطی نمودند منشاء حقیقی روس همانا اتصال هندوستان است و هرگاه ایرانیان بروس بسازند و بدولت روس اطمینان بخشند که در موقع خود قشون ویرا بطرف هندوستان عبور خواهند داد روسیه هم گونه همراهی به ایران کرده مالک جنوبی هم از استیلای انگلیسان مصون تواند ماند عقیده این جماعت اینست که نقش انگلیسان از قبل مشروطیت ایران این بود که نفرت قلبی ایرانیان را از روس ابراز داده و محرب القلوبی خود را در ایران زیاد نمایند این بود که از یکطرف روسیه را بخشونت برکاشته از طرف دیگر خودشان بعلامت اظهار همراهی با ایرانیان

که سزاهائیکه در تبریز داده ميشود از روی اعتدال و سیاست باشد و اول شهر حال من هم با سفیر روس مقیم اینجا همین صحبت را داشته ام و مستر مالت هم به سفیر روس اترات نا مبارکی که از این قتل در قلوب عامه پیش تواند آمد اظهار داشته است

از اخبار اتوسی فوق بخوبی معلوم ميشود که قتل مرحوم تقي الاسلام را سبب عمده چند امر بوده ، یکی تنفی خاطر سالدات روس - دوم تریبیج ملت برخلاف روسیان و قبضه طهران - سوم قصاص قیس یونانی در مقدونیا که وزیر خارجه روس به زمان خود به سفیر دولت انگلیس در برتربرک بیان کرده است - آفرین بر این تمدن باد ، روسیان در وقعه قتل تقي الاسلام خودشان پیش از انگلیسان متوش بودند چنانچه در همان اوقات تلگراف روتر ظاهر داشت که دولت روس در ققاز بر عده قشون خود افزوده و گویا علتش این بود که مبدا مسلمانان از وقعه تبریز و قتل تقي الاسلام بهیجان آیند ، و بر حسب محاربه سر جارج بارکلی وزیر مختار دولت انگلیس مقیم طهران که برادوردگری نموده و در صفحه ۷۴ کتساب سفید نمبر ۵ موجود است کابینه ایران تمام تلگرافاتی که خوف تریبیج ملت از آب میرفت سانسور نموده از اشاعه اش مانع آمدند و سبب عمده عدم هیجان ایرانیان در قتل تقي الاسلام همین نکته بود و چنانچه مجله عالم اسلامی یاری می نویسد ، در وقعه قتل تقي الاسلام روسیان در گنجه - قره داغ ، ابراه ، بادکوبه و غیره که مریدان تقي الاسلام بسیار اند بر عده قشون افزوده تا مبدا برخلاف دولت روس حرکت نمایند

در نبوت وحشت کارهای روس در قتل تقي الاسلام و شیخ سلیم و ضیاء العلماء و صادق خلعت و چهار نفر دیگر از اعضای انجمن ایالتی تبریز که از ظهر عاشوری بدار زده اند بالا تر از عکسهای نیست که بروفیسر برون برای جراید انگلستان فرستاده و ما فقط در اینجا بخلاصه فگارشی دیر منچستر گاردین مورخه ۱۳ آگست اکتفا نموده تا در موقع خود بشرح و تشریح پردازیم دیر مذکور مینویسد که چهار عکس فصایهای روسیانرا که بروفیسر برون برای ما فرستاده چنانچه

نموده در جلب مذاق خود از رقیب خویش هم عقب نمانده و میگویند زبان انگلیسان بایران کمتر از روس نیست چه سبب عمده تولید ثروت بزرگ ایران و روسیان انگلیسان بودند و نیز هر حق را که روسیان بخشونت حاصل نموده انگلیسان بلا ایت تحصیل کرده اند و با آن همه هیاهوی همراهی انگلیسان نسبت بایران تاکنون ذره ایرانیات را قانده حاصل نگردیده است ولی عقیده ما این است که سر ادوردگری نظر بمصالح بویکی انگلستان در اروپا و رقابت با آلمان اتحاد با روس را محرک آمده و بزرگترین سهو سیاسی را مرتکب گردیده است و عاقبت نه به خرمای بصره خواهد رسید و نه بگندم وی - اما سازش ایران با روس سازش بیش با گرگ است که هیچگاه فتنی برای وی مرتب نخواهد شد چه اگر بتاریخ نگریسته و بوضایای بطر کبیر نظر اندازیم دیده خواهد شد که دولت روس از بعد معاهده ترکمان جای تاکنون اگر چه علناً کمتر تخطی از مواد معاهده نموده ولی در باطن روز افزون اقتدارات خویش را در برابر ایران زیاد کرده و نفوذ مطلقه را در کایه بلاد ایران راسخ داشته و منتظر موقع بود که يك دفعه کار ایران را يك طرفه سازد بلکه عدم تخطی روس را هم به واسطه حسن روابط بایران باید دانست بلکه بملاحظه رقابت انگلیسان باید گشت .

برخی چنین می پندارند که سازش ایران با انگلیس سبب نجات وی تواند گردید و حال آنکه این نکته امروزه با مصالح انگلیسان منافی است چه انگلیسان از خوف رقیب بزرگ خود آلمان مجبورند همه گونه مساعدت در پیشرفت خیالات روس بنمایند چنانچه از بعد معاهده تا امروز هر قدمی که روس بحق یا بناحق برداشته وزیر خارجه انگلستان موبد وی گردیده است و ارباب پلٹیک انگلستان را عقیده راسخ این است که در هر چیز استقلال پسندیده است جز در پلٹیک که باید بر حسب مقتضیات وقت مانند بوقلمون هر ساعتی برانگی جلوه گر گردید

دوست است که انگلستان مایل نیست سرحدات هند با روس ملحق شود ولی در مقابله رقیب وی خویش آلمان مصالح قوی تر دیگر هم او را در پیش هست نه ناچار است تن باین خساره بدهد . چنانچه مکرر سر ادورد گری وزیر خارجه اظهار داشته که ما نمیتوانیم قشون به طهران بفرستیم یعنی امروزه سلاح ما نیست که

مخاصمت کارانه مخالفت با روس نمانیم با این دو مقدمه اگر غور شود نجات ایران منحصر به غیرت و دانش و اتحاد خود ایرانیان است یعنی از يك طرف ارباب حل و عقد ایران راست که مسلکی معتدله اند اتخاذ نموده بهانه بدست روس و انگلیس نداده با این دو همسایه قوی به طریق کج دار و مربز رفتار کرده منتظر وقت و موقع مانند - هر کس دوباره ایران هر چه میخواهد بگوید هنوز عقیده ما این است که ایران روح استقلال خود را نباخته و قوای طبیعی خویش را يك دفعه زایل نساخته است روسیان اگر چه قرن متجاوز است که در ممالک شالی ایران باضمحلال قوای طبیعی برداشته و تا درجه هم کامیاب گردیده یعنی ایلات شالی ایران را چه بوسیله میرزا علی اصغر خان امین السلطان وجه بوسایل دیگر که قوای طبیعی ایران شناخته بود متلاشی ساخته ولی تا کنون انگلیسان را ممکن نیامده که در جنوب آن مسلک و اتحاد کنند امروزه از دهنه کردستان گرفته تا برسد به سنجابی کلهری - پشتکوهی - پیشکوهی - دیروند - سکوند - قشقائی - عرب - بهارلو - و صد ها ایلات دیگر - هنوز ایران دارای آفت و اقتدار است که اگر از روی صحت و علم و دانش عمل شود اقتداری حاصل نماید که بتواند علاوه بر جنوب استقلال ممالک شالی خویش را هم محفوظ دارد ، یکی از دانایان میگوید که ایران امروزه دارای يك ملیون سوار جرار ایلاتی است که اگر يك رابطه اتحادی بین آنها قائم شود و از روی علم و سیاست متدرجاً آنها را تحت مشق آورد دبری نمی گذرد که همسایگان جنوب و شمال مجبور بحال خودش واگذارند ، انگلیسان چون نفع هندوستان شان در استقلال جنوب است در اتحاد ایلات جنوبی اگر ما را تأیید نکرده مانع نخواهند گردید ، و اگر جنوب ایران مستقل ماند روسیان مسلماً در الحاق شالی ممالک ایران دست نگاه خواهند داشت و همین وسیله استقلال ایران محفوظ تواند ماند ، این نکته را باید دانست يك دولتی که استقلال خود را از دست داده و قوای خویش را باخت فرود نمی تواند کلیه آب های رفته خویش را بجوی باز آورد و بزرگترین خطاییکه ارباب حل و عقد ایران نموده همانا این است که قبل از اینکه با اتحاد طبیعی ایلات جنوب پردازند و از قوای

ملیه خود واقف شوند بچند تلگرافات مهمل و
الفاظ هیجان آور جی از بازاریان سر رشته را
از دست داده بهانه دست همسایگان دادند و از
طرف دیگر بلعاجت ایلات و عداوت خانوادگی و جنگهای
داخلی برداخته قوای متلاشیه را بر ضد یک دیسکر
و ادار نمودند. نتیجه این شد که با کمال اطمینان
از هر طرف همسایگانشان بر آنها ناخفته تا زمانه
دراز آنها را عقب انداختند.

ما در اینجا تأیید مینمایم قول مستر بی دبلو
استن را که حقه گذشته درج نمودیم که ایرات
محتاج به لیدر یعنی قاید است ولی این نکته را
نباید فراموش نمود که امروزه لیدری مانند نادر
برای ایران مفید نتواند گردید. امروزه ایران محتاج
به یک لیدری است که واقف بمواقف عصر و دانا
بموز سیاست و مطلع باوضاع بولتیک عالم باشد.
یعنی هم حیثیت و قابلیت داخلی را دارا و هم
اطلاعات خارجی را داشته باشد و چنین لیدری
را امروزه در ایرات جز شخص ناصر الملک
نمیشناسیم. ولی تنها وجود ناصر الملک را هم کافی
از کلیه امور نمیدانیم بلکه ناصر الملک محتاج است
بهت که دیگر مانند خود که بی غرضانه و غیر
خائنه در رفق و فتق امور خارجی و داخلی ایران
متابعت وی نمایند هرگاه اینگونه اتحادیکه مرعوب
اهل سیاست و درایت است - بین ناصر الملک و سردار
اسمد و مصمص السلطنه و غیره بر قرار آید و
اغراض شخصی یک طرف گذارده شده مصمص به
خدمات ملک و ملت گردند. پیدا نمودن چند که
دیگر برای وزارت خانه ها چندان دشوار نیست
امروزه قوت دولت منحصر به بختیاری شده و بدون
یک قوتی که افلاً بتواند برخی بیش آمدهای داخلی
را رفع کند صد بهارک هم در ایران کاری را از
پس نتواند برد. پس خیر خواهان ایران راست
که جدا در عودت ناصر الملک کوشیده و در همراهی
صمیمی حضرتین مصمص السلطنه و سردار اسد با
ایشان بکوشند که راه نجات ایران منحصراً بهمین استواران
باید دانست که جمع شمل یک ملت بدو قسم
ممکن است اول به علم و دانش و سیاست و موقع
شناسی افراد آن ملت که امروزه در ایران حکم عنقارا
دارد - دوم اتحادی است که بقوه قهریه میتوان

در روسای ایلات و افرادان ملت تولید نمود -
هرگاه امروزه اتحاد صمیمی بین ناصر الملک و روسای
بختیاری پیش آید بتدابیر حسنه و قوای قهریه دولت
اتحاد کلیه ایلات جنوب چندان دشوار نیست. و پس
از تشکیل چنین اتحاد حفظ عیال شالی هم لازم به
بیان نیست. ورنه نه تنها از وجود ناصر الملک فایده
توانیم برد و نه از یک مشت بختیاری استقلال ایران
محفوظ تواند ماند. ولی هرگاه موفق به اتحاد این دو
گردیدیم هم از دانش و سیاست ناصر الملک فایده
می توانیم گرفت و هم از قوای قاهره بختیاری استقلال
جنوب محفوظ تواند ماند. و هرگاه غیر از این شود
نه تنها ناصر الملک وجودش معطل میباشد بلکه رفته
رفته قوای بختیاری هم مضمحل گردیده حال جنوب
مانند شمال خواهد گردید. در آن صورت ممکن نخواهد
شد که با هیچ تدبیر و قوی استقلال ایران را محفوظ
داریم و پیش از همه بختیاریان که امروزه مالک
رقاب ایران شده زیادت خواهند برد چه عظمت
و بزرگی و منافع آنها تا وقتی است که استقلال
ایران باقی مانده خارجه را هیچگونه دخالت در معاملات
پیش نیاید. هرگاه خارجیان استیلا جویند اول
اقدامیکه بکنند در محو قوای بختیاری خواهد بود
و ما هرگز نمیتوانیم به تعارفات ظاهری دل خود
را خوش کنیم و بگوئیم بین روسای بختیاری و
آقای ناصر الملک صمیمیت و اتحاد بر قرار است
و فی الواقع اگر این اتحاد و صمیمیت که مایه خواهیم
برقرار بود. نه اوضاع داخلی ایران این گونه کسب
و خامت می نمود و نه وضع خارجی باین پایه ذلت
بخش ثابت میشد. کسانیکه کر خدمت و ملت را
بسته و استقلال یک مملکت را ذمه دار شده باید از
منافع موقتی شخصی صرف نظر کرده و از تشخصات دو
روزه گذشته خویشان را فدای مقصود واحد که
استقلال ملک و ملت بوده بکنند

باز هم تکرار مینمایم که هنوز هم موقع ایران نگذشته و
مهلت قلبیلی باقی است. اگر ناصر الملک و روسای بختیاری
صمیمانه متحد شوند بر قراری اتحاد بین ایلات جنوب
و تشکیل یک قوت قوی در قلیل زمان برای ایران
دشوار نیست ورنه تاریخ دنیا با خط خونین بر صفحه
ایران خواهد ننگاشت (شاید اغراض قانین خود)
بالجمله ایران محتاج بقاید است و بس و اگر

توانست دامن چنین فایده‌ی را که ذکر کردیم بچنگ آورد بمقیده ما چیزی از اساس استقلال خود را نسیخته و آن چه را هم تا کنون از دست داده بزودی بتواند دوباره بدست آورد، باز هم تکرار مینمایم که جمیع احزاب سیاسی ایران بلکه تمام افرا ابرایه راست که موقع نازک خودشانرا شناخته از سرا کو عبوت گرفته خرد غرضی و خود پسند را بیکسو نهاده در برابر گینختن قایدین خود متحد گردند و ربه نه تنها استقلال ایران خاتمه خواهد پذیرفت بلکه مقاصد خود غرضانه هیچ فرقه و حزب بلکه هیچ فرد و شخص هم بر آورده نخواهد شد، باز هم ما بملت محبوب خودمان والا حضرت ناصر الملک را معرفی برای چنین قایدی مینمایم چه قصاصی که برای يك چنین قایدی در خور است تمام در ناصر الملک موجود است و تمنای ما این است که والا حضرت ناصر الملک هم در این موقع نازک و ظایف چنین فایده‌ی را مرعی دارند و از پادهای مخالف نه لرزند و از امواج حوادث نه هراسند و سنک زیرین آسیا شوند

وضع عثمانی

از چندی باینطرف اروپائیان در فتح ممالک و باز دیاد رسوخ و نفوذ خود مملکت جنگجویی را متروک داشته فقط بتدابیر سیاسیبه کار بند گردیده اند بعبارت ساده تر در ممالک که قصد دخالت و ازدیاد نفوذ دارند عاقلانه منتظر وقت شده همین که بر حسب طبیعت انقلاب یا هیجانی در آن مملکت پیش آید آتش فتنه را دامن زده مقصود خویش را از پیشمیرند و غالباً خودشان برای پیش بردن مقصود خویش نقشه انقلاب و هیجانی در آن مملکت ریخته تا بکام دل برسند چنانچه از تبدیل سلطنت و انقلابات سیاسی ایران و عثمانی فایده گرفته و میگیرند. بر احدی پوشیده نیست که دولتهای روس و استریا بالغ به يك قرن است که چشم به بالکان خصوصاً ممالک متصرفه اروپای عثمانی دوخته هر يك بر شکست نفوذان دیگر اقدامات ور زیده است و هر کدام را که موقع رسیده يك گونه نشاری به عثمانی وارد آورده تا اندازه بر رسوخ و نفوذ خویش افزوده است. علاوه بر این اطرنهای بالکان هم که بدین گونه و سائل از مملکت عثمانی مجزی شده استقلال یافته اند پیروی از خیالات انقلاب کارانه دول دارند. این است که بعضی پیش آمد يك انقلاب مختصری در داخله عثمانی گرگان حریص متطرر موقع شده به پیشرفت مقاصد خود میکوشند چنانچه در موقع تبدیل سلطنت عثمانی استریا موقع

را غنیمت یافته باحق هر سگ و بوسینه قیام نمود و بلغار و قره مانغ وقت را منضم یافته به استقلال مطلق خویش و نامزدگی سلطنت خود آفازیدند و روس هم چون این امر را مقوسبه خیالات خویش یافت بتایید قره مانغ و بلغار قیام کرد از آن بعد همان دست های خارجی که برای پیشرفت مقاصد خود در داخله عثمانی مشغول بکار بود وقعه البانی و یمن و شیریه را فراهم کرده در حقیقت نگذارند عثمانی موقع یافته مقام خویش را در این تبدیل سلطنت محکم سازد هنوز این واقعات خاتمه نه پذیرفته بود که وقعه نا بهنگام طرابلس ضرب و و ترك نازی ابطالی پیش آمد و تا کنون عثمانیان را مشغول گذارده که تا گاه بدبختانه مناقشات حزبی در عثمانی پیش آمده و همان بارتی بازیهای سیاسی که در ممالک دیگر موث هم گویه ترقی گردیده بود در ایران و عثمانی صورت خصومات شخصی و جنگ داخلی را گرفته مزید جسارت رقبای متطرره را در عثمانی فراهم آورد اگر اختلافات حزبی در اسلامبول پیش نمی آمد و یا اغراض شخصی از قایدین احزاب بروز نمی کرد دولت استریا بدعوت سفرای دول و دخالت در امور داخلی عثمانی جرئت نمیورزید. مقاصد دولت استریا در بالکان لازم به بیان نیست و رقابت روس هم با وی توضیح واضح است چون استریا با ره مانغ و بلغار و سرویا متحد گردیده اسباب دخالت خود را در اروپای عثمانی فراهم نموده اتحاد بحری روس و فرانس را مهیج آمد از دیاد نفوذ استریا در بالکان بحال روس فرانس وانگلیس هم نافع شناخته نیامده است و همین حرکات رقیبانه سیاسی سبب پیش نمودن مجوزه استریا شده نه تنها عثمانیان را به تشویش انداخته بلکه روس را هم متاثر ساخته است - از يك طرف دولت عثمانی بنمایندگان خارجه خود خبر میدهد که اگر مجوزات استریا مبنی بر دخالت امور داخلی عثمانی باشد به هیچ وجه منظور نتواند گردید از طرف دیگر روسیه در برده استریا را تهدید میکند که بر رسوخ و نفوذ وی در ممالک اروپای عثمانی رضا نتواند داد. معلوم است که فرانس و انگلیس هم از تأییدات روس باز نتوانند آمد. ازینرو نمیتوان گفت که کاملاً مجوزه استریا پیشرفت نماید ولی خوف آنست که باشتعال استریا برخی از اطرنهای بالکان موقع اختلافات عثمانی را غنیمت یافته به سارضه و منازعه برخیزند. مسلکی را که بابعلی در تقسیم اختیارات ایالات بتارکی اتخاذ نموده برای برقراری امنیت و ترقیات مملکت بهترین مسلک و ممکن است

همین مسلك اطالیه لسان دول را هم کوتاه نماید و همچو مستفاد میشود که باصلی کادلاً از مجوزاتی که آسریا میخواهد که بدول پیش نماید واقف است و گویا از جمله مجوزات آسریا همان تقسیم اختیارات ایالات بوده که قبل از وقت عثمان در البانی و مقدونیه اعلان نموده است دولت عثمانی از خیالات آسریا و امارات بالکان کاملاً واقف گردیده ازین است که جداً در تجهیز قشون کوشیده و سیصد هزار قشون تحت السلاح در اروپای عثمانی مجتمع و میگویند که در عرصه سه ماه عده آنها را مضاعف خواهد نمود مسلم است که این بروز استعداد و قابلیت جنگی بزرگترین تهدید باعاریهای بالکان و دولت آسریاست و آنچه متذاد میشود در برده دول فرانس و انگلیس و روس هوبد عثمانی شده که مقاصد آسریا در بالکان از پیش نرود و از طرف دیگر همچو معلوم میشود که آسریا و آلمان و ایتالیا هم مصمم اند که در آن محوزات منهای مساعدت و جدیت را بنمایند اگر چه ابراز قابلیت جنگی خود را عثمانی نموده نادرجه نیران برافروخته بالکان را خودی تواند بخشید . ولی باز هم نمیتوان گفت که انقلابات بالکان خاتمه پذیرفته و خوف منافشه اتحاد ملث و اتفاق نلته مرتفع شده است البته میتوان اضمینان نمود که چون رقابت این دو هیئت دول در معاملات عثمانی پیش آمده عثمانیان را چندان زیانی حاصل نخواهد آمد چیزی که خیلی محل غور و تأمل است همان انتظاری است که دول طماع در معاملات عثمانی کشیده و موقعیست که میجویند هر گاه خدای ما خواسته مجدداً اختلافات حزبی در عثمانی بالا گیرد و احزاب از روی خود غرضی بنقاشات داخلی مشغول شوند یقیناً رقبا را موقع بدست آمده از حال کنونی ابرانس بدتر خواهند ساخت ، پس بزرگترین لطمه که باستقلال عثمانی وارد تواند آورد همانا اختلافات داخلی است اگر اختلافات داخلی اعراب نبود و اهالی مرا کو بخانه جنگی مشغول نمی شدند مرا کو بحال کنونی نمیرسید اگر خود غرضی قایدین ایران و لجاجت و عداوتهای ایلانی نبود روس و انگلیس تا این درجه خنک مرام در ایران نمی کشیدند ، خیرخواهان اسلام راست که بقایدین

عثمانی نصیحت نموده و جدیت کرده تا در این موقع نازک اغراض شخصی را به یکسو گذارده اختلافات حزبی را کنار نهاده خواه در زیر بیرق اتحاد و ترقی یا تحت لوای اتحادیون و غیره بدو تشبثات خارجی را از متصرفات خودشان دور نموده اساس استقلال حکومت و مشروطیت خویشان را محکم نهاده آنوقت اگر باختلافات حزبی بیاغزند این قدر ما مورت خساره و زیانناش نخواهد گردید ابرائیان و عثمانیان گویا معنی مشروطیت را هفت طباطور بنداشته اند درست است که در اروپا اختلاف احزاب در مسالك سیاسی موجود است ولی چون اغراض را کنار گذاشته و در يك مسلك که حفظ استقلال وطن باشد متحداند هیچگاه اختلافات حزبی آنها را زبان نمی رساند بر عکس ما میخواهیم اغراض شخصی را در سایه اختلافات حزبی از پیش برده و اساساً هم چیزی که مد نظر نداریم همانا استقلال مملکت است هنوز از تلگرافات مستفاد میشود که اختلافات حزبی در اسلامبول حکم ریاست وره چرا باید جراثیدیکه منتسب بحزب اتحاد و ترقی است مانند ظنین و چنین مسدود آید ، و چرا باید رجال بزرگ خدمت گذار اتحاد و ترقی در برده استوار مانده یا از خوف گرفتاری خود شان بخارج و داخل فرار کنند؟ نتیجه این اختلافات موقع دادن برقا است که مایه استقلالش باید دانست اگر امروزه حزب اتحاد و ترقی مغلوب شده و حکومت را از دست داده ممکن است فردا مجدداً روی کار آید و هر سلوکی که امروزه از حکومت حاضره نسبت برؤساء آن حزب شود آن ها هم با رقبای خود بنمایند نتیجه این میگردد که طرفین از مصالح ملکی دور افتاده بخود سازی و خود خراهی پرداخته اساساً استقلال مملکت را از مدنظر دور دارند امروزه برای ایران و عثمانی دواى بر الساعه جز ترك غرض رانی و اتحاد صمیمی نیست هر کس در ایران و عثمانی از هر حزب و فرقه باشد که اقداماتش مورت اختلافات و تشتت ملت گردد همانا دشمن مملکت بل اسلامش باید گنت و اولین وظیفه خیرخواهان مملکت دفع وجود های ضاره است که محل اتحادات ملی اند آری به اتحاد جهان میتوان گرفت

کشف حقیقت یا توضیح وانحیات

(نمبر ۲)

يك اسباب خارجی هم بخواست خدا در کار آمد و آن جنگ اقصای شرق و شکست فوق العاده دولت روس بود که يك ابره برده از روی خیالات ملت برداشته و فهمیدند که با جنبش ملی اسکات دارد که يك دولت آسیای علاوه از آنکه بحقوق خود نائل شود میتواند بتدریج خویشتر را از احتیاجات و رعب خارجه مستخلص ساخته با دول اروپا دم از همسری و برابری بلکه همی و مالآوری زند (در حقیقت برده را که سلاطین قاجاریه و درباریان خائن بملاحظات و افراض شخصی پیش چشمان ایرانیان کشیده بودند خرق کرده)

پس عقلاي ملت تبادل آراء کرده بعد از مذاکرات و ملاحظات دیدند که کار باندازه خراب است که دیگر امکان صبر کردن و بانتظار نشستن که بجزرای ضییعی در سلك انتظام آید نیست. و وقت خیلی تنگ و شیرازه مملکت از هم گسیخته است. این راه تجربه کرده بودند که در سفرهای فرنگستان که شاه از روی تفنن بدون حقیقت یا بطور حقیقت اظهار اقبال با اصلاحات میفرمود - بعضی از نوکران صدیق اخلاص خواه که از جمله یکی براس میرزا ملکم خان بنام الدوله بود حسب انفرموده کتابچه ما در ط-ریق اصلاحات نوشته تقدیم حضور نمودند لکن این السلطان و دیگران نگذاشتند که هیچ یکرا شاه بخواند تا چه خاصه که عمل فرماید - (و ما فقط آنها را در روزنامه جات مطالعه کرده ایم) لذا درصدد بر آمدند حالا که شاه بفکر اصلاح مملکت نیست ملت بخیال کار افتاده تازود است کاری کرده علاجی بدردهای بی درمان نمایند و ابتدا هم به همین خیال بودند که همان قانون را از شاه بخواهند و دولت را مجبور بصعود پله اول که دولت مقننه بوده باشد بنمایند - لذا اول در مسجد شاه پس از آن در حضرت عبدالعظیم جمع شده مطلب را آشکار کردند - بعد ازان که مخالفت حضرت والا عین الدوله را که آنوقت صدراعظم بود دیده مشت را نمونه خروار دانسته بقیین کردند که در صورت که این یکتار آفتور مانع از پیشترقی ~~کار~~ است بطریق اولی سائر وزرا و حکام و اعیان و اشراف

و ضباط و کدخدایان دهات و کلانتران شهر و قصبات و غیره و غیره تا برسد بيك نفر فراش چنگ که اختیار آنان محدود و راه خیانت و ظلم و دخلشان مسدود می شود بزمانع تراشی کرده هزاران محذور فراهم آورده مملکت را دچار هرج و مرج و نا امنی و اشتتاش خواهند نمود - و معلوم نیست سر انجام آن انقلاب بکجا خواهد کشید

آیا در صورتیکه درجه اول باحالت انقلابات خونین شرع شود این دولت و مملکت محتضر وقت و حال و مجال آنرا دارد که آن بحران شدید را طی کرده خود را برانده درجه دوم برساند؛ یا آنکه ضعف و نفاقت که این کشمکش و هزارات امراض سابقی که باو رسیده و میرسد او را تمام خواهد نمود و قائم بقاء آنرا باید خواند؟

پس انقلابی که در مقننه گردیدن دولت پیش میاید با انقلاب مشروطه شدن سلمات موازنه کرده دیدند در مزاج مملکت هر دو آمیز یکسان است و هیچ فرق نمیکند لهذا (دست از تو بردارم تا کام من بر آید) (یا جان رسد بخانان یا جان زتن بر آید) گفته متوکلا علی الله پس از تحصن در سنارت انگلیس و بعد از سفارت سنیه دولت غایبه عثمانی که شرحش بر همه معلوم است مشروطه را از مرحوم مظفرالدین شاه گرفتند (مرك يكبار شيون يكبار) آنوقت در عمارت بهارستان مرحوم سپهسالار ترتیب مجلس دارالشورای که ای ملی داده از هر طرف و کلاه ایالات و ولایات در مرکز گرد آمده بلاد رنگ مشغول کار گردیدند. خدماتی که در دوره اول خصوصاً در چند ماه حیات مرحوم مظفرالدین شاه مجلس بمملکت کرد بسیار بود. اولاً بيك قانون اساسی نوشته بامضای شاه رسانیدند که با آن قانون و متمم آن که محمد علی شاه مخلوع امضا کرده دولت ایرانرا بتمام دول خارجه دوروی کره مشروطه و در عداد دول حبه ملی (~~کنستی~~ توسیون) معرفی نمودند. که بعد از این دولت ایران رسماً هیچ امتیازی و مهادتیه بدون تصویب پارلمان نمیتواند باحدی داده و بنماید. دوم آنکه از غلط کاریهای سابقین سالی سه کرور خرج دولت بر جهش اضافه بود. مجلس بزحمات زیاد بودجه معین کرده و نوشت که بعد از جرح و تعدیل

خرج و دخل مساری گردید و فعلاً از خیال قرض جدیدی که داشتند منصرف گردیدند، سوم آنکه رشته شوری را تمام ممالک محروسه کشیده در هر شهری انجمن های ایالتی یا ولایتی و بلدیّه معین نموده برای آنها نظام نامه و قانون نوشت که بعد از انتخاب صحیح تشکیل شده ناظر بر اعمال حکام و ادارات دولتی و مشغول بوظایف قانونی خود و رونق بلاد و رفاهیت عامه باشند.

بضرا بر آنند که اگر سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه بزرگ باهنکام او منقضی نمیکشت از آنجا که بی سلم و ملایم داشت صلاح دید خیر خواهان گذشته از آنکه ضدیت با مجلس نمیکرد تقویت هم مینمود و در اینصورت نمیکوئیم دولت و مملکت ایران مثل حایان رو بترقی و سعادت مینهاد، ولی یقین بود که بواسطه عدم مخالفت او این انقلاب و مرجع مرجع داخلی که بهانه دخالت خارجه گردیده این همه خون ریزی و خشمناک و تاراج اموال و هتک توأمین بر گناهان صورت وقوع نمی یافت، خصوصاً در زمان رئیس الوزرائی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله مرحوم که علاوه از حیثیات شخصی دو نفر از پسرانش حزه و کلا، مجلس و از هوا خواهان آزادی و مشرودیت بودند، افسوس که (عدل مظفر) خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود، بعد از آن دوره ننگین محمد علی شاه مخلوع پیش آمد و قلم ایجا رسید و سر بشکست، اول کاری که شد نفاق انداختن بین وکلا مجلس و درباریان بود (که اغلب حکام ایالات و ولایات هم یاد گرفته تقلید کردند) دوم استغناء قهری مشیرالدوله و بعد از چندی فوت بی سبب آن مرحوم، سوم خواستن و آوردن امیرالسلطان از فرنگستان و چون مخالفت او با اساس مشروطیت واضح و آشکار گردید او را کشتند، تا بالاخره توپ بسته مجلس را با مسجد سهسالار که مجاور آن و محل تحصن ملت بود کوبید، علماء و سادات را با قیبح ترین وجهی گرفته زنجیر کرده ریش کنده حبس نمود، واعظین و نادقین را تکه تکه کرده بسک خوراند، احرار را با شکنجه و عذاب کشت و غیره و غیره، از اعمال شنیعه که مرتکب گردیده و همه میدانند و محتاج بشرح و بیان نیست سرگذشتی است که بر هر سر بازاری هست

پس حکام و ضباط و کلانتر و کدخدای هر شهر و قصبه و و و تاسی بشاه جسته هرچه در خانه دل و خزانه خاطر (از تحریک و تخریب و اسباب نامنی و ضدیت و القاء شبهه و غیره) داشته داشتند پاره داده ذره فروگذار نکرده هرچه توانستند و دانستند تصور نهنمودند، با وجود این قهره که دولتیان را عاقبت و خیم دریش بود چنان قوای دولت را ضعیف و خنثی و فلج نموده قلمداد کردند که هر دوستان که بولیک قبضه تفنگ بهم دست از سخط دولت بیهراس گردیده قطع نظر که تانگی و دزد و شریر شد بکلی مملکت را بی صاحب و خود را مطلق العنان دانست، خصوصاً بعد از فتح طهران و خلع محمد علی میرزا و نصب اعلیحضرت هایونی سلطان احمد شاه که دیگر تبر امید حکام پرورش یافته به نسبت استبداد و دیگران از متذنبین هر طبقه و هر جا به سنک آمد، و جنایت در ذهن عوام شهری و اشرار بیروی و ایلات و شیره داخل کردند که دیگرشاهی در کار نیست و مملکت بی شاه مانند گله بی جویان است، و معنی آزادی هم این است که هر کس در شهر و خارج هرچه از دستش بر آید و بتواند بدون ملاحظه و واهمه از کسی باید بکند و معمول دارد، چه بسا حکام بی شرف که برای خرج ترانی و مداخل و اهمیت دادن بوجود خویشتر اشرار را دستی دعوت کردند تا کار بجای رسید که بکلی سطوت و اقتدار دولت از میان رفت و برده رعب موهومی چندین هزارساله که نسبت باسم دولت در پیش انظار بود دریده گشت، از آنطرف از مرکز هم سهل انگاری شد و این نیز بواسطه حکام خائن بود، زیرا که در بودن اردو و لشکر و قوای نظامی در این دوره صرفه خود را نمیدانستند و دولت را از طرف خود در بر قراری امنیت بعد از اهمیت دادن فوق العاده اطمینان داده و بی کارگی نظامیان را خاطر نشان میکردند، (سخن را روی با صاحب دلائل است)، علاوه از این خروجیای بی دویی اشرار در سمت شمال و بالاخره باز گشت محمد علی میرزا و سالارالدوله متعاقب هم دولت فلک زده را چنان مشغول گردانیده بود که حق داشتند کوش بحرف حکام ندهند، شاه از مراکبی در قلمرو و حوضه حکومت

گرفتن تنگبلی چریک نمود که چنانیکه گنتم بیک تیر دوشان زده باشد، حاصل اینقره آن شد که بکلی اهمیت وصولت و هیمنه و جبروت دولت از انظار افتاد و همانها که تنگبلی و چریک شده مواجب گرفته بودند بعد از مرخصی علاوه از آنکه خود مصدر شرارت و هرزگی شده دیگران را هم جری ساختند! اینست که روساء ایل هیچ دهکده نیست که اقلاً در محل خرد خود را شاه مستقی نداند و هرچه از دستش برآید نکند! و کار بجائی رسیده که اگر کسی از اوضاع حالیه از یک نفر شهری چون من بی اطلاعی سؤال کند، غیر از از این جواب نخواهد شنید (ما که عجبالتاً شاه و صاحب نداریم!)

مخاطرم آمد یکی از آقازادگان در مجلسی بر سر صحبت اظهار داشت که بواسطه بی شاهی به پینید کار بججا کشیده که انگلیسها به پناه معدن نفت در عبادان استحکامات ساخته تدارکات دیده و می بینند و حال آنکه لیس ما و راه عبادان قریه !!! بیچاره خبر از جایی ندارد که اگر امتیاز کار کردن معدن نفت داد امین السلطان داد که هنوز هم وارث او در آن کیانی شرکت دارد، و هر کاری که حالا آن کیانی در آنجا کرده و میکنند از روی همان مساعده و امتیاز است که آنوقت گرفته و از جبهه تخم هایت که در دوره ناصری و اوایل مظفری کشته شده که ما حالا نعرش را را می بینیم و گلهایش می چیم

(بی ستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد) و لاکن در نزد با اطلاعان دنیا مطالب مخفی و مجهول و پوشیده نیست و تاریخ دنیا تا اقراض عالم مانند دستگاه عکس متحرک تمام افعال و اعمال خوب و بد هرکس را در هر حال مینمایاند.

باری حالا با این تفصیل از مطالعه کنندگان محترم انصاف میطلبم که آیا این اغتشاشها و ناامنیها و هرج و مرج ما را بغیر از حکام خائن و متفذین هر ناحیه چه کس منشاء و مبدا و مصدر بوده؟ درست است فقط مخالفت محمدعلی شاه مخلوع بچریک خارجهها خصوص دولت روس نه (اورا خسرالدنیا والاخره نمود) علت بی و موجب تمام بد بختیهای وارده بایران است، اگر او لشکر روس را دعوت به آذربایجان و

دخول به تبریز (در مقابل اهالی غیور حریت پرور آنجا) نمیکرد، تسلط آنان با آنجا نمیرسید که بگنبد مطهر و حرم و ضریح منور حضرت نامن الاثمه علی ابن موسی الرضا علیه و آله التحیه و الثنا توب به بندد و تیر جفا در حقیقت بچکر مبارک رسول خدا صلوات الله علیه بزند، و لاکن در نظر ثانوی همین که با ذره بین تعمق و تأمل نظر انداخته فکر کنیم می بینیم که پیشتر سوء اعمال یا بیج همان حکام و عمال و متفذین مملکت میکردند، بدلیل آنکه در عین تسلط محمد علی میرزا بودند اشخاصی که فطرتاً مایل با اساس مشروطه بودند با آن همه مخالفتهای باطنی و ظاهری او معرزا آنها در قلمرو حکومت خود بهیچوجه دست از پا خطا نکرده با حکام شاه گوش نداده سرآ و علناً در تقویت مشروطه برقرار ماندند نه تنها معزول گردیده دو موقع بمبارد مجلس خانه آنها را هم خراب کردند و یفا نمودند (مانند مخبر السلطنه - ظهیرالدوله)

از آن طرف اشخاصی هستند که با وجود زمان استبداد مخالفت یا حکام مرکز و شاه نموده با کمال تسلط و اقتدار حکام را جواب داده مستاصل و خراب کرده و میکنند. (مانند رؤسای فارس) ملاحظه کنید در ظرف ۸ - ۹ سال چند نفر حکام شیراز آمده و رؤسا آنها را متفح کرده روانه نموده اند - از شعاع السلطنه بالا تر میشود که پسر شاه بود و حاشی بر زوری مثل شاهزاده عین الدوله صدراعظم در طهران داشت با اختیارات نامی - در دوسنر رؤسای فارس چه بر سرش آوردند که در وقت روانگیش از شیراز حتی یهودیها بر حالتش میگریستند -

پس معلوم گردید که حکام و متفذین هر جا از خود غرض و عداوتی با مشروطه شدن مملکت نداشتند آفتور فساد و ضدیت و این همه خراب کاری و دستور العمل گرفتن از قونسولات و بجای آوردن خواستات آنها و دامن زدن آتش انقلاب (که خود را هم بالاخره در آن بسوزانند) نبودند و مخالفت حقیقی باطنی منضوی آنها از مخالفت ظاهری شاه مخلوع اثرش بیشتر بوده، یا اقلاً کمتر بوده. در این صورت واضح است که حق بجانب آنان بوده که صلاح در ترک پله اول دیده یکباره صورت و خروج به پله

دوم را اختیار کردند، زیرا که چون هر دو پله محدود کردن اختیارات متنفذین است فایده مخالفت در پله اول نیز کمتر از مخالفت در پله دوم میشد الا آنکه در پله اول فقط یک نفر شاه از تخت میدیدند و مستثناً میباید و بعد از گذراندن يك انقلاب خونین حولتای بازملت برای محدود کردن از آن يك نفر هم که قدم گذاردن به پله دوم بود دچار يك انقلابی موحشی میگردد، و چون وقت ایرانیان خیلی مضیق بود دو انقلاب و رولوبون را متعاقب یافت و گنجایش و قوه مجال نداشتند، پس ما از رفقا خیلی معذرت خواسته و با آواز بلند میگوئیم (مشروطه علاوه از آنکه برای ایران زود نبود دیر هم شده بود) ملت در قیام خرد ابداً مغبون نیست و پشیمانی ندارد حالا محذوراتی و موانع داخلی و خارجی سد راه نجات و سعادت نگردیده آن از زمینه این مقاله و بحث ما خارج است اگر زنده ماندم آرزایم انشاء الله توضیح خواهیم کرد

دانشدار وطن از جنوب

داستان جان ستان عربستان

(ترسم که اشک در غم ما برده در شود)

(و این راز سر بسیر بهام سمر شود)

چندی است که تراکم اشغال و احتلال امور و احوال از عریضه نکاری که فریضه ارادت شناری است محروم داشته در این اوقات که شمه از اوضاع ناگوار عربستان در نامه مقدس مطالعه کرده نظر باطلاع و بصیرت کاملی که از این اوضاع دارم لازم میدانم کیفیت مناشه خوانین بختیاری و سردار ارفع را کاملاً معرض داشته خاطر مطالعه کنندگان جبل التین را از کلیه نکات سیاسی و خواص دیپلماتی این واقعات مستحضر نمایم

کراراً عرض شده که حصص شمالی عربستان الی دوازده شوشتر جزو مستملکات و ضمیمه اداره حکومت بختیاری و قسمتهای جنوبی در تحت فرمان فرمای سردار ارفع است، شهر شوشتر و دزفول حوزه حکومت ایالتی است که از مرکز معین میشود و فی الحقیقه منطقه آزادی است که فاصل بین این دو حکومت میباشد، در این اواخر سردار ارفع گرفتاری خوانین بختیاری را باامورات سرکره غنیمت شمرده در صدد ازدیاد نفوذ و اثبات

اولویت خود در این منطقه آزاد برآمده بختیاری با همه گرفتاری برای حفظ منافع خود این پیش قدمی را مانعت مینمودند، ظهور وقایع فجیه و حوادث بدیهه از اثر همین جذب و دفع بود عدم استعداد ظاهری و منوی حاجی فخرالملک را در بروز بعضی حادثات خانمان سوز برمدخایت نمیتوان شمرد، ولی مانع تراشی و تحریکات برای پیش رفت مشار الیه علت اصلی بود - بار سال که سردار محتشم و سردار بهادر بهربستان آمدند برای استقرار امنیت یکصد نفر سوار بختیاری و سگوند بر استرادی عربستان افزودند پس از حرکت ایشان از عربستان به تشبثات مختلفه شرح آت ها خیلی طولانی است جداً عازم شدند که سنگر انتدارات خود را در آخرین نقطه عربستان پیش برده نفوذ بختیاری را بکلی سلب نماید، مقدمتاً به خیال تمرکز ناصری افتاده تشکیل ادارات مالیه و عدلیه و نظمی مرکزی عربستان را در آنجا دادند بدو توسط مستوفی الملک رئیس مالیه عربستان عموم مباشرین مالیه را از دادن حقوق سوار بختیاری منع نمود، سپس تواید اغتشاشات و سلب امنیت را بهرین وسیله و سهل ترین درق وصول بقصد داشته غایبه ماه رجب گذشته شوشتر را که با اشارات حسیه تولید شده بود وسیله تخصیص اجزای اردو کشی نموده هفت هشت هزار جمعیت بشوشتر فرستاده شد، در آن واقعه کلیه آبادیهای شوشتر ویران و يك کرور اموال اهالی بجز يك اعراب افتاد این بنده نظر باینکه نظریات خود و مکتوبات را بمرکز چهاراً عرض کرده بودم قبل از ورود قشون عرب بشهر خارج شده بطرف ایلاق بختیاری حرکت کردم، باقر خان کلانتر و چند نفر دیگر از خوانین شهری که سمت بستکی بخوانین بختیاری داشتند ترك وطن گفته متابعت نمودند در وقتیکه سردار محتشم و سردار بهادر با جمعیت عازم حرکت بطهران بودند در (ده کرد) بایشان ماسحق و تا اسفهان در خدمتشان بودیم، دو سه ماه در خدمت سردار اشجع حکمران اسفهان ماندم تا اردوی دولتی منصور و احزاب مخالفین مقهور شدند نتیجه تظاهرات بمرکز این شد که آقای اجلال السلطنه اخوی معتمد خاقان بحکومت عربستان منصوب و

جیاری باسزبان اعزام شدند. معزی الیه برای رسیدن استمداد در اسزبان متوقف و شده اواخر ذی قعدة دزفول آمد. بدبختانه هجوم عساکر بیکانه باعث اشتغال حواس اولیای دولت و تعویق حرکات حکومت شد. از آن طرف هم با اینکه اختلال قشون عرب اسباً و رسماً موقی و باسم رفع غایبه بود نظریات بنده را عملاً تصدیق فرموده مراتب دین را که قبل از وقت خدمت اولیای امور معروض داشته بودم کاملاً بدرجه نبوت رسید. اولاً مطالبات عربستان را در ازای این خدمت به وزارت مالیه محسوب نمود تا یاً سوار بختیاری را از شهر خارج کرد. ثالثاً نایب الحکومه استمراری برای شوشتر معین و مقرر آمد.

اوایل ربیع الاول که خوانین بختیاری حسب اتمول بحوالی شوشتر و دزفول آمدند با سردار ارفع مشغول مذاکره شده تخلیه شوشتر را درخواست نموده مشارالیه بطره میگذازانید از طرف دولت احکام اکیده در احضار عبدالسید نمایند سردار ارفع بمشار الیه شده باز هم قانع نشد صدور احکام دولت و ارسال رسل و رسایل در مدت چهل روز نتیجه نداد بلکه نتیجه بکسی بخشید. آخرین تلگراف سدیدالاهجه سردار ارفع بخوانین بختیاری ملخصش این بود که تا حکومت بصری وارد نشود شوشتر را تخذیه نیکم و در مدافعه حاضریم و صورت کلیه تلگرافات و مکاتبات نزد بنده موجود است. علاوه بر اظهار مخالفت عبدالسید نایب الحکومه سردار ارفع اخلاف شهر را سنگر بسته راه ما را سدود و کلیه رعایای بختیاری را از شهر خارج نموده وصول این اخبار بمركز موجب تشدد اولیای دولت شده صریحاً تلگراف کردند که نمایند سردار را بقوه قهریه از شوشتر خارج کنید. چهارم جدی الاولی سالار اشرف و منتظم الدوله با سیصد چهارصد نفر سوار در یک میلی شوشتر کنار رودخانه اردو زده وبا عبدالسید و امسالی مشغول مذاکره شدند بنده و سایر مهاجرین هم در خدمتشان بودیم عموم اهالی شهر باستثنای آقا زمان که یکی از روسای محلات و موید توجه آقای سردارند اظهار اضاعت و رغبت بخوانین نموده روز ششم بدون هیچ مصادمه خوانین با جمیعت وارد شوشتر شدند

فقط در امام زاده خازج جنوبی شهر که جمعی از اشرا از کاشنگان آقا زمان سنگر بندی نموده چند تیری بطرف بختیارها انداخته بکثرترا مقتول نمودند. سوار بختیاری فوراً آنها را مشرق و سنگر شان را تصرف شدند. عبدالسید یا جمعی از اصراب در قلعه محصور مانده امان خواسته محزماً او را روانه ناصری نمودند. خوانین در قلعه حکومتی نشسته مشغول تاهین اهالی شدند. آقا زمان هم که بحریک سردار بدو باعث غایبه شده بود تسلیم و در قلعه توقیف شد. روز هفتم شیخ حنظل با دو سه هزار جمیعت بخیال محاصره باطراف شهر آمد. سوار بختیاری و تنگچی شهری بفوریت آنها را متفرق ساخته مابوساً بناصری برگشتند. سردار ارفع از طرفی مشغول جمع قشون و از آنطرف بتوسط نمایندگان انگلیس استدعای تخلیه شوشتر و تعیین حکومت ببطرفی مینمود. موقر الدوله حکمران بنادر بحکم اولیای دولت برای اصلاح بناصری آمدند. (سرکرند کاکس) جنرال قونسول پوشهر اگرچه باسم میانجیگری و اصلاح آمده بود ولی سه عراده توپ مانسیم و سه عراده توپ موزر همراه آورده بسردار ارفع تسلیم نمود. مبارک بن صباح شیخ حکویت هم با مقدار زیادی اسلحه بناصری آمدند.

(کیتان گری) قونسول اهواز هم از ناصری برامهرور آمده با امیر مجاهد داخل در مذاکرات اصلاح شده. اجمالاً حسب الحکم اولیای امور قراوشد خوانین شوشتر را تخلیه نموده سردار ارفع هم دخالتی بدها ننماید و حکومت را از اسزبان جیاری حرکت دهند بتصویب و ادلاع کلیه آقایان مذکور این قرار داد ختم شده بتوسط اقبال لشکر و میرزا گل محمد فرستادگان امیر مجاهد در ناصری قرار دوستی و مواحدت کامله بین خوانین بختیاری و سردار ارفع داده شد و اتحاد نامه آن ها در حاشیه کلام الله مرقوم و مخترم افتاد.

سالار اشرف و منتظم الدوله هیچدم با کلیه جمیعت خود از شوشتر حرکت نموده این بنده از جایکه بصیرت کاملی از حالات و پواتیکات داشتم متیقن بودم که این موافق چون عهد دلیران خیلی بی نیات و دوام و آز و طمی که بتصرف کلیه عربستان دارند زیاده نماند و خام است در

خدمت خوانین حرکت نموده و همراه منتظم الدوله برامهرهز آمدند. همین قدر که آقایان مصلحین از ناصری حرکت میکردند و خوانین بختیاری با کلیه ایلات به سمت شیلان رفتند شیخ حنظل و عبدالسید با هشت نه هزار جمعیت در میناب شوشتر وارد لدی الورد دهات متضدالماتک بختیاری را تاراج نموده بشیلان ورود نمودند اهالی شهر را بنهب و قتل و آتش زدن زراعات تهدید نموده عامه اهالی بیکان نجات ازین مهاکه و حفظ زراعات امساله به باقرخان کلانتر و سایر بستگان خوانین بختیاری ابرام نموده که بنیای خود نزد شیخ حنظل رفته اظهار انقیاد نمایند شاید زراعات و بقیه السیف که از اموال پارساله باقی مانده محفوظ بشود. باقرخان هم با جمعی از اعیان شهر نزد شیخ حنظل رفته مورد عنایت شده و بطرف ناصریه او را روانه نمودند. شیخ حنظل هم با اهل شهر بنای مکاتبه را گذاشته و بمراحم حضرت سردار امیدوار شان ساخته اهالی هم از ترس خوف و رجا اظهار اطاعت نموده بشهر وارد شد. پس از ورود در قلعه حکومتی حکم بتاراج داده کلیه محله سادات کلانتر را که نصف ده میل شهر است تماماً بغما نموده دست بر عصق به اعراض مردم دراز نموده اجبالاً حرکات شنیسه که از این اردو صادر شده دیری است. که صحیفه تاریخ این صفحه تالی آن را نشان نمیدهد شرح این غایبه محتاج بکتبایی علیحده است سادات کلانتر حصه خانهای آن ما علاوه بر نهب کوبیده هم شدند از شهر خارج شده آقا حسین بدر باقرخان در اداره لنج متحصن شده جمعی از غلامهای مخصوص سردار ارفع در آنجا رفته او را بیرون آورده بقلعه حکومتی برده پس از بریدن ریش این سید هشتاد ساله را مغلولاً به ناصری فرستادند خانهای که ازنجار و اعیان که از نهب محفوظ مانده بودند بمبالغ کلی جریمه شدند منادل هفت هشت هزار تومان وجه نقد و معادل چهار بجهزار تومان سند از آنها گرفته شد باستثنای محله آقا زمان مشغول گرفتن اسلحه از سایر محلات شدند پس از فراغت از عمل شهر جمعیت زیاد برای نهب دهات خوانین بختیاری فرستاده آمد

در عرض دوسه روز عقبی که ملکی آقای وزیر جنگ و سردار اشجع و سالار اشرف است و دارای شانزده پارچه آبادیت که بعضی از آنها سیصد الی چهار صد خانه دارند یکی تاراج نموده خانها و زراعات آنها را آتش زده جمعی از زنان و رجال و اطفال آنها کشته شد نهب و جیاول این بلوک که بهترین آبادی های شوشتر و سالیانه بیست هزار تومان اجاره آن است نیز کتابی است مسیح الاحزان و تالی ابن خلکان فی وقیات الاعیان از آن طرف از قریه جلکان که دو فرسخی شوشتر است الی آخرین نقطه دهات دزفول ملکی آقای رئیس الوزراء و امیر مجاهد و سردار بهادر و سردار جنگ و امیر مفتحم یکی با خانک یکسان و غالباً پس از نهب خانه و زراعات آنها آتش زدند از رعایای آقای رئیس الوزراء هم در این وقته ده دوازده نفر کشته شده روی هم رفته چهل پارچه آبادیهای شوشتر و دزفول و بران از انجاب آنها بجز تل خاکسری آناری مانده شاید بعضی خوانندگان در این فقرات اغراق و مبالغه تصور نمایند بذات يك خداوندی قسم از انجاب واقعات صرف نظر نموده و اصلاً بمبالغه عرض نشده برای فبیدن مقدار بی ملاحظه کی این جماعت و درجه مظلومیت این مشت ملت این قهره را مروض میدارم حاجی کریم نام یکی ازنجار مشیر شوشتر است مقابل قلعه حکومتی عمارتی عالی دارد بجزم اینکه جمعی بختیارها آنجا منزل داشته اند پس از اینکه بیست هزار تومان مال التجاره و اثاث البیتش تاراج نموده حسبالحکم سیصد نفر مامور خرابی خانه او شده چهار شبانه روز با بیل و کلنگ مشغول کنندن اینیه آن شدند چون محتاج بزحمت زیاد بود و حکم حتمی الاجرا وتالی اضا باید شناخته شود کیسه های پاروت در زیر زمین های این عمارت گذاشته آتش میزدند بهمین جهت سه خانه از اطراف آن هم منهدم شد. شانزده سال است که سردار ارفع خود را بدالت و درستکاری و وطن خواهی و بی آزاری معرفی نموده و عموماً حفظ سلامت و رفیع مخاضرات مملکت را از ایشان توقع دارند سبحان الله مملکتی که دارای این گونه فرزندان خلف و سرداران با شرف است مستحق لنگدکوبی قزاقان روس است

پس از اینکه هشت روز مشغول تبارک و تعالی بودند
آقای اجلال السلطنه حکمران عربستان بحوالی شهر وارد
واعراب شهر را تخلیه کردند، حکومت جلیله هم اهالی
را تا یکدرجه آسوده و امیدوار با اقدامات اولیای
دولت نموده، پس از چهار روز توقف بر حسب خواهش
سردار برای تدارک این پیش آمد ها به ناصری رفته
اند، ولی با عدم استمداد علاوه بر اینکه احقاق حق
هیچ مظلومی نخواهد شد کثت می رود اعراب
کتابت و قناعت نموده از این مشت ستم دیده گان
بیخایان صرف نظر فرمایند، امید است اولیای امور
پیش از این مساعی و سهل انگاری را در ده عربستان
جایز ندانسته عاجلاً در مقام جلوگیری و اصلاح
خطاهای سیاسی چندین ساله برآیند، مخصوصاً دخالت
همسایه را با هم حفظ احترام (نشان ستاره هند)
تحت نظر آورده عواقب وخیمه آن را بدقت
ملاحظه فرمایند

(الاحقر مرتضی ابن محمد علی ابن جعفر الشوشتری)

حبل المتین

ما مکاتب وارده از عربستان را درج در
حبل المتین نموده و میبایم و عنقریب رای خود ما را
هم در خصوص اشاء خواهیم داد فقط در اینجا
همین قدر بگوئیم که ذمه دار صحت و سقم این مکاتب
نگارندگان معروف آن میباشد

مکتوب از مبر

والله ما بقى من الاسلام الا اسم ومن اقرآن الا رسم
البنه مسلمان نامیده گان و این حرف سخت گران
آید ولی اگر کسی پیدا شود و به دیده انصاف
نگردد خواهد گشت که والله هذا ولا غیر - اگر
دلیل خواهند خواهم گشت که این مسلمان نامیده گان
با وجود آیه و لکم فی رسول الله اسوة حسنة
بکدام اوصاف و اخلاق و احوال و اقوال پیغمبر
اسلام تالی دارند

(شیر و آبجی - می ماند بدو)

(تو به پیغمبر چه می مانی بگو)

حضرت رسول خود را انا مبعوث بالسيف
میفرمودند شا چگونه در گشت و شت و راحت نشسته
خوشتن انا مخلوق لا کیف می گویند؟ پیغمبر اسلام
(ان رزق تحت رعی) میفرمودند شا چگونه
در عالم شکم برستی (ان می جوف بطنی) می گویند؟

پیغمبر اسلام لباس بفاخرت نمی پوشید و آب سرد
نمی نوشید، رخت خواب استراحتش لنب خرما بود،
خوراکیش تانک تانک نان و شیر نان و سرکه بود، شام
همین طور هستید؟ حاشا! پیغمبر اسلام خاصه خودش
که همیشه حاضر داشت و ابداً از خوابگاه و نشیمنگاه
خود دور نمیکرد شمشیر و زره بود و شتر سواری
آیا شما هم همین طور هستید؟ پیغمبر اسلام تا
حیات داشت در غزوات بنفسه حاضر می شد شما
هم هستید؟ آیا در زمان شما شریعت اسلام تغییر
یافته که احکام اسلام منحصر شده به نماز و روزه
و خمس و زکوة و حج - یا اینکه شما مسلمانان
نمیدگانت به اتباع هوا و راحت نفس بر حسب
اغراضی که منظور دارید بعضی را گرفته و بعضی
را ترک نموده اید (یومنون بعض و یکفرون بعض)
امیر المؤمنین از حق خودش اغراض میکرد که کله
خامه را صدمه نرسد آیا شما هم همین طور هستید؟
عدد مسلمان نامیدگان امروزه اتفاق صوم
جغرافیون از سیصد و پنجاه میلیون تجاوز است
و عدد اصحاب بدر عبارت از سیصد و سیزده نفر
بود در این چه سری است که آنوقت آن عده
قلیله بنام اسلام ماکبر شدند و این وقت این سیصد
و پنجاه میلیون اسیر و ذلیل عیب و امام کنار شده اند،
هیچ کس نیست پرسد آن چرا چنان بود و این
چرا چنین است تا بنوع قلب و کمال یقین بگویم که آنها
مسلمان بودند و در میان احکام فرقی نمیگذاشتند نماز و
دفاع را در یکزمان می دیدند و امر معروف و
نهی از منکر را مثل روزه میدانستند و تولا می
اخبار و برای اغیار را حجت حج انتقال میکردند
و اینان بعکس آنان مسلمان نمایان اند که هر حکمی
که صدمه دنیوی ندارد گرفته اند و هر امری که
ضرر دنیوی بر او مرتب است منزوک داشته اند،
آنها هجوم بردشمن میکردند و دشمن را میترسانیدند
و اینان دفاع از خصم نمیکنند، چرا که از هجوم
دشمن مرعوب شده اند، آنها بیانی اتحاد و اخوت
را تشبیه میکردند اینها اساس نفاق و عداوت بین
می کنند، آنها از دو فرسخ راه به نماز جمعه حاضر
میشدند تا اتحاد و نجابت در میان مسلمین پیدا شود
و شکوه جماعت اسلام و مسلمین انظار عالم را پر
کنند و هزاران دست نیاز بیکر تبه بسوی دوگاه

خدا بلند شود و خدا جلالتک آسمانها فخر فرماید. اینها در يك محوطه در ده جا اجاعت برپا میدارند و مسلمانها را از همدیگر متنفر میکنند و نفاق مسلمانها را بدین وسیله دو اقطار کفر اعلافت می نمایند سخن بسیار است و جرئت نفس از ترس نتوانم کشیدن. باز میگویم کدام آیه است که حکم سلوة جبهه را نسخ نموده؟ کدام دلیل است که با کتاب معارضه کرده و از پیش برده؟ انصاف! انصاف! مروت! مروت! آخر اسلام رفت، دین یامال شد، واقعه هیچ روزی از برای رسول الله سخت تر از امروز نبوده، از يك طرف اسباب نشر مسلمانها از همدیگر فرام آورده میشود و از طرف دیگر مسلمانها را از دفاع امر به قاعد داده میشود، از یکطرف اسباب ترقی اسلام را حرام می نامند! خدایا! خدایا! بداد دل پیغمبر اسلام بر من. ساعد الله قلبك یا رسول الله

در صورتیکه فرموده که انی ایاهی بکم الامم ولو بالنقط از امت تو که امروز سیصد و پنجاه میلیون بشر است سیصد و سی و شش میلیون در تحت نفوذ امر کفار مثل عبید و امام ذلیل و خوار اند فقط چهارده میلیون مسلم در میان تبه عثمانی ظامرا در تحت حکم سلطان اسلام است آنچه در چه حالت در حاقی که از شامت اختلاف احزاب اتحادی و ائتلافی و خلاص کاری وغیره وغیره ایام استقلالش مثل ایام معدودات بشاره رسیده و سیاسیون عالم نتیجه وخیمه او را بمنصه شهود گذارده اند دولتی که عموم مسلمانان عصر يك امیدی بشوکت و قوه ار داشتند از اختلاف احزاب حکم بدین امروز ارکان استقلالش متزلزل شده و رشته آمال مسلمانان بکلی در کار گسیختن است ای خدای اسلام به مسلمانها غیرت بده ناموس بده حیث بده عبرت بدست از دین و وطن و ملت و استقلال و آزادی کشیده به شکستی قناعت کرده و به خلق و دلتی از دنیا و آخرت خوشنوداند انبار بوطن اینها دست تصرف دراز میکنند ساکتند به استقلال و آزادی شان باز نمی میکنند ساکت اند به اعراض شان دست درازی میکنند ساکت اند مساجد شانرا خراب میکنند ساکت اند روحانیون شان را بدار میکشند ساکت اند بمقام

دین شان جسارت میکند ساکتند حرم امام رضا را بتوب میبندند ساکت اند دلیل شرعی و عقلی سکوت شما چیست این سکوت را مرضی خدا میدانید یا مرضی رسول خدا حالا جرئت اروپا و اسلامبول حکایت کذبت تصرف مکه معظمه را شفقاً علیکم خورد خورد کوش زب شما میکند که بادا یتمر به شنیده و بر وجود مقدس شما صدمه وارد شود شما هم یواش یواش خودتان را به مسئله مزبور مأوس فرمایند دنیاست همیشه حق مغلوب بوده است این توحید خواه عصرها بنحاه بوده اگر باز بحالت اولی برگردد غرایی ندارد واقعه نازه نشده شماها دنیا را خوش بگذرایید بر وجود شما صدمه برسد کعبه سهل است توحید سهل است دین سهل است جرئت اروپا میگوید که در محافل سیاسیون کیفیت تصرف مکه مطرح مذاکره است بعضی بر آنند که تصرف مکه هیچ را دعوی و مانعی در حلقو ندارد زیرا که حسابات مسلمانهای عالم بهیزان معاملات سنجیده شده است آنچه از جنبش و حرکت مسلمانها بحیال برسد از قبیل مالیه خولیاست هر دولت کوچکی به تصرف او مقتدر است بلاشک لکن بملاحظه اینکه احداث رقابتی در میان دول معظمه نشود و از حرکت خوابانی مسلمانان مأون باشند قرین صواب آنست که مکه و مدینه که دو حرم مسلمانان است بین المللی قرار داده از هر دولتی يك نمایندگانه در آن جا باشد و به هیئت جامعه مصالح آنها را اداره نمایند و در میان تمام دوله مشترك باشد تا رقابت از میان بر خیزد و تمام ماکل و مشارب و ما محتاج الیه حجاج را و خاصه گوسفند و شتر قربانی را رژی مقرو دارند تا مصارف اداره آنها از خودش تحصیل شود و بواسطه سنگینی مخارج استطاعت حج معدود قلیل پیدا شود و کم کم بدون قتل نفوس مقصود حاصل آید دیگر مقصود چیست مسلمان نمایان بهتر میدانند اف بر همه - به نشینند به نشینند استریمخوا استریمخوا مطلب قابل حرکتی نیست مقدسین بگویند ان المیت رباً بحمه پیدینان بگویند

کعبه بنیاد خلیل آزر است

دل کفار بدست آور که حج اکبر است

خدای کعبه غضبناک میشود دروغ است رسوا

میزمود تا اینکه آن مملکت اسلامی هم به اجوات
خودش ملحق نشود زیرا که ریاست و وجایت آنجا
هم کبر از ممالک دیگر بیاد رفته اسلام نیست ای
تو میدانی که دود اسلام از چه ماده است خودت
چاره فرما **عبدالله خونی**

کرمان

سابقاً شرح حالات امیراعظم و گرفتاری شیخ
خان ایل خان افشار و حسین خان کلانتر بجاقبی
شجاع السلطان و فرار سایر کلانتران بجاقبی آقامراد
خان شکوه السلطان مشروحاً عرض شده صولت الملك
افشار ملقب به سردار عشایر و ایلخان افشار بر
قرار و محبت وصول مالیات و گرفتن اموال مردم
دهات که افشار غارت کرده بودند مامور شده -
از کشته شدن وقت نظام بی و بهادر السلطنه امنیت
در تمام خلك کرمان برقرار آمده حتی از بلوچستان
اخبارات اشاعت آمیز رسیده در اجتمع که هنوز
امیراعظم با طرد در سردسیر بود تلگراف معزولی
او و حکومت امیر منعم بختیاری به **سکران**
رسیده فوراً بلا فاصله وکیل الممالک کارگذاری کرمان
که نایب الحکومه امیر اعظم بود معزول و نصرت
الممالک نایب الحکومه شده ولی خان سالار منعم **سکه**
رئیس قشون شده با اینکه هنوز حکم آن از وزارت
جنک نرسیده در مدت قلیل از اخراج سرباز و
گرفتن تدارک در بلوکات بد بیضا نموده بود معزول
سردار نصرت که بجهت حساب دو ساله قشون
بظهران رفته بود مجدد رئیس قشون شده بالاخره يك
دفعه ورق برگشته برده بالا رفت ، امیر اعظم
شیخ علیخان و حسین خان را در شهر فرستاده بحویل
نایب الحکومه جدید دادند ، و این نایب الحکومه همان
شخصی است که فتح آباد پارک او را افشار و بجاقبی
زیر و زیر نموده تمام امار آنرا حیوانات بارکش
خورده تمام اطاقها خراب آینه ها و مبل شکستند
ضایع کردند اینک سردار نصرت رئیس قشون
تلگراف نموده سوار حال بجاقبی دوست نفر
بیانند در شهر بجهت حفاظت شهر لهذا همان بجاقبی
که فرار کرده بودند با عده سوار افشار و آقا
مرادخان وارد شهر کرمان شده در دهات اطراف
شهر وحشت و اضطراب در مردم انقاده عجالتاً تا
و رود امیر منعم دیگر امنیت از قاطبه خلك کرمان

بسر و سینه میزند دروغ است اولیای خدا مام
زده میشوند دروغ است ای مسلمان نمایان آنچه
کردن بود کردید بکدل شدید جمله و آتش غرض
آتش به ما من حرم کبریا زدید واقه و باقه و تاقه
اسلام حق است اگر امروز بدست شما بی مال
شد فردا در دیوان کبریا محاکمه خواهید شد
خلود در آتش جهنم جزای اسلام کتی شاست و
عنقریب است که رساله قتل الاسلام انتشار خواهد یافت
که اسامی شما را تماماً بکان بکان از هندی و افغانی
و ایرانی و تورانی و عمانی و مصری و تونس و
جزائری و مراکتی باسم پدر و مادر و عشیره و
مولد و مسکن بنام و نشان و اعمال صادره از او را
خواهد نوشت تا آینده گان بلمنت شایب یاد نمایند
و بگویند که در فلان عصر عدد مسلمانان به سیصد
و پنجاه میلیون میرسید و این معدود قلیل که اسامی شان
نوشته شده تمام اینها را به آتار فروختند و اوطان
شان را به تصرف کنار دادند و دین حنیف اسلام
را باطل نمودند و از برای پنج روزه ایات شخصی
به فسق اسلام رانی شدند ملتی که عددش ربع
مکة دنیا بود و قبله داشتند و کتیب داشتند و
مناد و مساجد و مقابر و مزارات داشتند سلطان
داشتند شاه داشتند خدیو داشتند و امیر داشتند
شیخ الاسلام داشتند و حجة الاسلام داشتند تمام
آسیا و افریقه و من اسلامی آنها بود جان محو
و نابود نمودند که انری از آنها باقی نیست فقط
ایشان مثل قوم عاد و نمود در صحایف تواریخ
مستور است عجب ایجا است که حالا که کار از کار
گذشته و به نتیجه اعمال سیئه خود برخوردند اند
بگردن هم دیگر بار نموده و میخواهند خود را از
این لکه بیخبری برکنار کنند خدیو میگوید که
این مبابه من به انکتره به تصدیق فلان اعلم العلماء
است مولا حنیط میگوید که من باحظه فلان شیخ
الاسلام با فرانسه و اسپانیا دست بدست شدم ،
محمد علی شاه میگوید و روزنامه بانچه سرائی مینویسد
که من مظلوم فلان حجة الاسلام شدم که به استاد
او راه خلاف سروت را با ملت خود پیش گرفتم
و از سلطنت مخلوع شده و استقلال دولت و آزادی
متم رفت آه آه کاش اعلیحضرت امیر افغانستان به
این نکات ملتت میشد و به قاعده اولوالعزمی رفتار

خود میباشد ، قونسل دولت انگلیس گویا بی‌ارت در باب بقای حکومت تلگراف نموده مقررات باجابت تشده ، غنچه‌لیخان افشار میگوید از فریب رفتن نظام و بهادر السلطنه شامل آنها شده بعد که فهمیده است آنها خیال فساد دارند فوراً مراجعت نموده محض حسن خدمت آنها را گرفته تسلیم حکومت نموده بهرحال آدم عاقلی است شاید بچاره را فریب دادند تصیر وار نمودند سائر وقایع بد ها مروض خواهد شد

مکتوب جنرال قونسل ایران

در جریده جبل‌المذین در جائیکه ترجمه رقمه این جانب را با اداره مجموعه جرائد هندوستان درج فرموده اند همچو بنظر می‌رسد که قسمت آخر آن ترجمه با اصل مطالب چندان شباهت ندارد بلکه مطالب را خارج مقصود نشان میدهد لذا لازم دانستم برای اینکه از جریده محترم دارای اشتباهی نباشد و سوء تفاهمی هم حاصل نگردد صورت همان قسمت از اصل رقمه که در جرائد عیناً درج شده و ترجمه آن را ذیلاً شرح دهم که ملاحظه فرموده‌ام باصلاح آن فرمائید مطالب من این بود (نظر باینکه همیشه دولت ایران خواهان اصلاحات و ترقی مملکت بوده و مهم ترین مقصود دولت ازین قرضه تکمیل پروگرام و نیقی است که در نظر است لهذا این قصد و نیت عقیده مطمئنه بدولتین انگلیس و روس در دادن قرض بایران میدهد که قرض بر حسب بقای حکومت مطمئنه شده مندرجا تمام لوازمی که برای سیاست مملکت لازم است تهیه شود)

تقریظ

ارباب دانش را پوشیده نیست که شریف ترین فنون همانا فن تاریخ است که از هر جهت مزیت بر سایر فنون دارد و اگر بنظر غور نگریم اسلامیان در ازمنه سالفه در این فن مهارتی بسزا داشته و خدمتی بزرگ به ذریعه این فن بنوع خود نموده اند ، در چند قرن قبل اگر فن تاریخ نگاری به مسلمانان مخصوص می‌شد چندان مبالغه نبود ، ارباب سیر و تاریخ غرب که امروزه در فن تاریخ نگاری هم گوی

سلب شده خاصه دعوات عرض راه که در ایندت چه سوار حکومت چه سوار افشار هر کدام عبور کرده حتی رعیت بچاره را از نامش - مرغ - کاه - علف - جو - بنصب گرفته و اگر اندک تعلق نمودند آنها را بقدری زده که قریب بهلاکت رسیده کنان ندارم در تمام کره ارض چه افریقا چه امریکا چه آسیا چه افغانستان چه ترکان انجور و ظلم و تعدی بر رعیت شده باشد ! حکومت اقتدار ندارد مامورین و ضابط آتش می افروزند چنانچه در این چند روزه دو بیم و سائر بلوکات بانواع اسامی از تدارک جریمه شترگیری الاغ گیری بیداد کرده از جمله یک تاجر فقیر آقا علی اکبر بزدی در بیم باهم دوستی رقمه نظام با شکنجه دو هزار و هفتصد تومان از مشار الیه گرفته

حکومت اقتدار ندارد یا دارد نشده ایلات تمام راه هارا از امنیت انداخته حتی مردم را تاراج چشم امید آنها بچاره من گندم و جو ایلات همه را باهمال کرده باقنداق تنگ زعم و بزرگ را بقدری می‌زنند که از حتی خود چشم پوشیده آب و زمین را رها کرده می‌رود ، بی اینست سزای ملت جاهل که از حقوق بشری غافل و محروم است و باید مثل خرابی مکتش باشد این است نتیجه فساق و دوثیت که محض اغراض شخصی راضی به باهمال شدن یک مملکت و زوال استقلال شش هزار ساله وطن خود میگردند و برای ریاست دوروزه خود چشم از خدا و خلق و شرف و عزت یک دولت قدیم نجیب میپوشند اکنون فاش اغلب بلکه قانیه ملت آرزوی حکومت دورداستبداد را میبایند عجالتاً از ورود افشار و چاقی خلق منزلت میباشند امیر اعظم از راه خراسان باسوارهای شخصی خود روانه شده و امیر منمخم وارد قم شده که باسوار بختباری حرکت بکرمان نماید و شهرت دارد بمقتضی دیوان رضا خان تبریزی نیز در رکاب امیر منمخم عازم است ، آنچه شهرت دارد امیر منمخم خیلی صاحب قوت نسبت بر رعیت مهربان در بزدجرد تمام الوار را مخدول فرموده بود یک نفر یلجیکی که از جنب میبو مورنارد بریاست مالیه آمده و به پیشکار مالیه قدیم مشغول تفریق محاسب

سبقت را از شرقیان ربوده تصدیق دارند که
مسلمانان در فن تاریخ نگاری داد دانش و
داناتی داده و زحمات اساسی آنها سر مشق تاریخ
نگاری غرب شده است . ولی چنانچه جمیع
علوم و فنون مسلمانان را وداع نموده از چند
قرن باین طرف دستگاه شان در این فن هم
پیچیده است

این ایام کتابی بدیع و تاریخی بس شیرین
و ملیح موسوم به تاریخ بصره با منهای سلیقه
و انداز تاریخ نگاری بوضع جدید با حروف
ممتاز و کاغذی بس اعلی و جلدی نفیس با سی
و دو تصویر گراوری بسیار ممتاز از حلیه
طبع بیرون آمده است

تاریخ بصره ریخته قلم جناب مستطاب آقا
میرزا حسن خان نصره الوزاره متخلص به (بدیع)
می باشد . مؤلف مذکور فرزند مرحوم میرزا رضا
خان نصره الوزاره شهسدر سابق دولت علیه ایران
در بصره و از جوانان تربیت یافته ادیب و از فضیلتی
نامی - و می توان گفت من حیث الکمال در بصره
بل کلیه عراق تالی ایشان کم است . سالها معاون
قلمی جبل المتین و از شعرای بدیع الخیال و
خوش بیان و در السنه فارسی و عربی و ترکی
و فراسوی مهارتی بسزا دارد و چندین قصائد
وطنیه مندرجه در جبل المتین ریخته قلم ایشان
بوده است

تاریخ بصره به السنه مختلفه بسیار نوشته شده
ولی می توان گفت که تا کنون تاریخ بصره
را احدی از مورخین و فضلا باین انداز و
سلیقه و خوش بیانی و خوش اسلوبی که از هر
حیت جامع و مانع و دارای جزئیات و کلیات
باشد نه نگاشته - در این کتاب بحث از آغاز
تصیر بصره تا یرمانا هذا شده و خالی از هر گونه
حشو و زوائد و اغراق است . کلیاتش ماخوذ
است از کتب معتبره و موثقه و مشهوراتش
از روی علم و درایت می باشد

این کتاب را نه تنها تاریخ بصره باید گفت
بل جغرافیای طبیعی و سیاسی و اقتصادی و صنعتی
بصره اگر گفته آید صحیح و آثار عتیقه و
مشاهیر رجال و مقابر بزرگان دین و اولیای
گرام را هم حاوی است - این است که ما در
تعریف آن استعمال جمله جامع و مانع را سزا
وار می شماریم . الحق میتوان گفت که این کتاب
خدمتی نمایان به ادبیات فارسی نموده و سر مشقی
عمده برای مولفین و مصنفین این دوره گردیده
هرگاه این قبیل تصنیفات و تالیفات در زبان
فارسی زیاد شود نقایص ادبیه ما را تکمیل تواند
نمود (ملال الدین الحسینی موبدالاسلام)

تذکرات مسیه

کرنل منگن فرانسوی با مدعی سلطنت مراکش
الیهیه تصادم نموده و برا شکست داده بسببوری از
بیارق و ذخائر قورخانه او را غنیمت گرفته است .
الغلاوی در حین محاصره مجبوراً نه نفر فرانسویان
را بمدعی سلطنت مراکش الیهیه تسلیم نمود و هنوز
معلوم نیست که قونسل فرانسه هم شامل آنها است یا نه
الیهیه وعده نموده است که فرانسویان را سالم نگاه
داشته بساحل خواهد رسانید

کثرت باوندکی انگلستان مورث هنت ملیوت
لیرا خاربه به اهالی آن شده است

در حلقه رسمی فرانسه من باب تسلیم نمودن نه
نفر فرانسویان بمدعی سلطنت مراکش الیهیه خیلی
تشویش پیش آمده است و لو اینکه کاملاً توك تعلق
با خلیفه الیهیه بشود باز هم امید کنی در نجات آنها
میرود دولت فرانسه حاضر نیست که در این موقع
اردوی تعزیری بمراکش فرستد نه برای قلت قشون
بلکه بواسطه سورت گرما که اینک در مراکش موجود
است و خوف آن میرود که غلبه ارتل منگن فرانسوی
مورث گرفتن انتقام الیهیه از اسرای فرانسه گردد
اهالی پاریس جداً نجات اسرای فرانسوی را در
مراکش از دولت طلب می کنند و اخبارات بسختی
می نویسند که دولت باید در این خصوص سخت
تدارک نماید

سه نفر در مصر مجرم اشاعه اعلانات مغویانه
گرفتار آمده اند

روزنامه طمس در مقاله افتتاحی خود می نویسد که از چند هفته باین طرف معاملات ثبت صورت ازه را اختیار نموده آن تصدیق ما بر سهنهای چین در ثبت نموده بودیم با پیش آمدهای کنونی باقی نمانده است و اگر چینیان مجدداً بطرف ثبت حرکت نمایند وحشیانه و ظالمانه خواهد بود. دولت انگلیس راست که بدولت چین اصرار نماید که از مداخلت در امور داخلی ثبت جز درموادی خاص میبگذرد تصرف نماید و تنبیهان را که دو مرتبه موفق به تحصیل آزادی خود گردیده اند محروم نماید نمود و بر معاهده روس و انگلیس من باب ثبت در فرستادن نمانده به لاسه از نوع تجدید نظر باید بشود برای حفظ منافع انگلیس و فواید مخصوصه ثبت چنان مناسب معلوم میشود که نمانده خصوصی از انگلیس در لاسه قیام نماید و پیش آمد موجوده برای غور در این موضوع نهایت مناسب است

در ناروج انگلستان طغیان آب باندازه بالا گرفته که شهر صورت دریا را پیدا نموده هفت هزار نفر بی - همان شده در خانه جت برق تماماً از کار افتاده و بسیاری از چاربايان غرق شده و پلها هم شکسته اند

در سکه العربه قشون الهیه متواتر حمله بر مقدمه الحیش اردوی فرانسه نموده جماعتی از آنان را بقتل رسانیده اند جنرال لیانی با کرنل منگن ملحق شده است

سر جارج جاردن وزیر مختار دولت انگلیس در دربار پکن یادداشتی بدولت چین فرستاده تذکره نموده است من باب خیال چین صحه ثبت را هم میخواند شامل دولت جمهوری آسانی قرار دهد و در آن یادداشت بیان شده که دولت چین تنبیه را در امور داخله خود بدون مداخله دولت جمهوری آسانی اختیار بخشد و نیز اظهار داشته است قبل از اینکه دولت انگلیس جمهوریت چین را منظور نماید دولت چین باید معاهده روس و انگلیس را منباب ثبت منظور کند در این یادداشت بحث شده است از تمام پیش آمدهای ثبت و چنین تجویز مسکوده است که دولت چین يك نمانده در لاسه فرستد که نگرانی در معاملات خارجه آن داشته

باشد و در معیت این نمانده فقط يك هیئت محافظین موجود باشد ولی چین را آن اختیار نباید باشد که قشون غیر محدودی بمعیت نمانده خود فرستد یا اردوئی به ثبت گسیل دارد و نیز در این یادداشت تذکره شده است که دولت چین نباید طریق هند را از شامراه ثبت قرار دهد

جنرال ریسانت و سالت فرانسوی منتشر جنگی دولت چین برقرار آمده است

دولت ایتالی اعلان نموده است که از شهری ۱۹۱۴ از معاهده شکر خارج خواهد گردید

مراسله در پاریس رسیده که بین سردار فرانس و الهیه مخابره شده اسرای فرانسه رها شده اند

سکرنل منگن فرانسوی پیش قدمی بر قشون العباس که خلیفه الهیه است حمله برده شکست فاحش بوی داده است

بقول روزنامه دبلی تلگراف لندن دولت چین رد نموده است یادداشت دولت انگلیس را من باب ثبت و اظهار داشته که مجدداً در این باب معاهده نتواند نمود

يك کپانی از قشون فرانسه وارد مگدوار (مراکو) گردیده تا حفظ حقوق خارجه را بنماید سردار جنگی فرانسه بآنچه موانعیکه در پیش است عاقبت تصحیه نموده که قشون بطرف مراکش فرستاده شود با اینکه گفتگوی رهائی اسرای فرانسه شهرت یافته ولی تا کنون بدست مدعی سلطنت الهیه می باشد و همچو گفته میشود که محبوب القلوب مدعی سلطنت اندک اندک کم میشود

حکومت مصر روزنامه ملیه الاوا را مسکود و چهار نفر از ملتبان را نیز مجرم اشاءه اعلانات مفویانه گرفتار نموده است

مخبر دوزر معلوم نموده است که تا کنون دولت انگلیس را جوابی بیسار داشت خود از طرف چین نرسیده است

ولیمهد انگلستان بجهت ابره به اعانت زلزله زوگان اسلامبول مرحمت نمود

از پیش آمدهای مراکو دولت فرانسه را کمال تشویب حاصل آمده و فعلاً ۵۵ هزار قشون فرانسه تکر مراکو موجود منجمه ۶۶ هزار دو ضربی مراکوست ولی از قبض تا شهر مراکش

مقلب است از بندر (کاسابنکا) قشون کتک به اردوهای فرانسه فرستاده میشود و خبریکه در بومبان اشاعه یافته بود که اسرائیل فرانسه رهائی یافته اند تصدیق نه بیوسته

تذکرات واجبه به عثمانی

انقلابات بالکان مجدداً مزید تشویش گردیده جوش و خروش جنگ در بلغاریان در ازدیاد است و چنان تصور میشود که کابینه بلغار مجبور به عملیات جنگی شود بلغاریها را خواهش اینست نسبت به عیسویان مقدونیه سلوکی مرغوب اتخاذ شود و همچو تصور میکنند که دولت روس هم حامی این خیال است

ترکان حله بر (جزا) در ولایت قسور نموده بسیاری از اهالی سرویه را بقتل رسانیده اند کابینه سرویا در این موضوع مشغول به مباحثه است

بر حسب خبر بلگرید پایتخت سرویا بواسطه حمله ترکان بر (جزا) پنج هزار اهالی مجتمع به آواز جنگ جنگ بلند می نمایند

در پایتخت بلغار (صوفیه) نمایندگان تمام اهالی مجتمع شده نطق ها بر وجوب جنگ داده ماده را از اتفاق آرا گذرانیده که قشون برای جنگ طلب و از دول خواهش شود ~~که~~ مقدونیه را آزاد دارند و هرگاه در این خصوص جواب مقرون بمرام خود نیابند اقدام بجنگ کنند

چون در بلغاریه من باب قتل کوجانا هیجان زیاد دیده میشود لذا پادشاه و وزیر بلغار که قصد حرکت اروپا داشته منصرف شده در صوفیه توقف خواهند داشت

من باب مجوزه (کونت و آن برج تولد) وزیر آسریا در خصوص تقسیم اختیارات با بعالی مصمم مخالفت گردیده است

از تحقیقات ابتدائی کیدپون من باب وقعه کوجانا معلوم شده است که نمایندگان اشکری و کشوری در انجام فرایض خودشان مقصر و قشون شرکت در قتل عم نموده ازین رو با بعالی حکم داده که عدالت جنگی برای مجرمین و مقصرین تشکیل و هزار ایره به نقصان زدگان تقسیم گردد

پادشاه قره داغ دول را اطمینان داده که ازین بعد احدی از قره طغیان را اجازه داده نخواهد شد که بسرحد عثمانی وارد شود

جهاز جنگی دیانامی انگلستان با کمال سرعت طرف کریت رهسپار آمده می گویند که اهالی مصمم قبضه بر (ساموس) شده تا بوقت یونان را در آن جا ببنوازند ~~که~~ جهاز جنگی فرانسه هم بدانصوب حرکت می نماید

چنان در اسلامبول بیات می شود باب عالی بولات عمال محروسه اطلاع داده که اصلاحاتی را که در البانی منظور نموده در کابینه ولایت مجری خواهد گردید

قبل از اینکه البان ها به اوطان خویش معاودت نمایند برخی از ذخایر را غارت کرده منجمه نموده هزار تنگ هم برده اند و جماعتی مختلفه دیگر هم مصمم بر حمله ذخایر دولتی می باشند

در اسلامبول خبر حمله جزا را قابل تصدیق نمی شمارند و چنان می بندارند ~~که~~ علت فرار اهالی سرویه این بوده که البانیها در موقع عودت به اوطان خودشان قور خانه عثمانی را غارت کرده در اظهار مسرت ازین عمل آغاز به شلیک نموده عیسویان سرویه را خوف دامنگیر شده فرار نموده اند دول اروپا محاربات شدید الهجه بقره طاغ نموده ویرا از حرکات مخالت کارانه با عثمانی منع نمودند و قره داغ هم وعده نموده که جداً استماع خواهد نمود و تردید می نماید که قره داغیان حمله بر عثمانی نموده باشند و ضمناً بیان نموده که دولت قره داغ نمی تواند ملاحظه نماید که قلاع محقره را که دولت عثمانی در سرحدات قره داغ تسخیر نموده و استغناء بدول کرده است که این مناقشه را هم مرتفع دارند

در ادارات رسمی عثمانی چنان اطمینان داده میشود که هیچگونه خوف و خلل در امنیت نیست چه بسند هزار قشون تحت السلاح در اروپای عثمانی موجود و در عرصه سه ماه مضاعف تواند گردید و چنان تصور میشود که هیجان بلغار هم وقتیکه در وقعه کوجانا بدالت و انصاف رفتار و به بلغارها فهایده شود که با بعالی ابداً تجاوز آسریا را منظور نخواهد نمود مرتفع خواهد گردید

شش جهاز جنگی ایتالی ۲۸ ماه گذشته

ساحل یافه نمودار سه جهاز بطرف شمال

و سه دیگر توقف نموده اند

محاربات صلحیه که بین ایتالی و عثمانی در سوریه